

از شر شیطان رانده شده به خدا پناه میبرم

بنام خدا بخشنده مهربان

واسطه قرار دادن در پرستش و نیایش

بیشتر گفته های زیر در یکی از گفتمانها در جواب تعدادی از کاربران گفته شده است. کاربرانی که سعی می کردند خواندن غیر خدا را توجیه کنند. نیت خویش را پاک کنید و با دقت به همه دلایل توجه فرمائید :

۱ واسطه ها خدا را به حاشیه میرانند

هیچ چیزی بدون خدا لذت بخش نیست. اگر بزرگترین کره آسمانی را به شما نشان دهند و بگویند که خدا آن را نساخته بلکه شیطان آن را ساخته ، در این حالت برای شما لذت بخش نیست ، بلکه ترسناک هم هست. هیچ مکتبی ، مذهبی و دینی در دنیا بدون خدا نمی تواند راه راست را طی کند. هر مذهب و یا طریقی که خدا را محور خویش قرار نداد ، بعد از مدتی چنان از واقعیت فاصله میگیرد که آن مذهب به يك مذهب شیطانی بدل می شود. مسیحیت محور خویش را مسیح قرار داده است ، اسلام سنتی محمد و علی و سایر مقدسین را محور مذهب خویش قرار داده اند ، و همینطور برای سایر مذاهب که هر کدام چیزی و یا کسی را محور خویش قرار داده اند. در حالی که باید خدا محور همه این مذاهب باشد. پیامبر محمد هم برای خدا محوری تلاش کرد. اسلام سنتی خدامحور نیست. مسلمانان اسم خدا را راحت بر زبان می آورند ، ولی وقتی نوبت به اسم مقدسینشان میرسد ، کلی سلام و صلوات ذکر می کنند. مگر خدا بزرگتر از محمد و علی نیست؟ پس چرا ما باید محور دین خویش را محمد و علی قرار دهیم؟ در حالی که این خداست که همه ما را آفریده است و این خداست که ما را می میراند و این خداست که به ما آب و غذا می دهد و این خداست که برای ما کار فراهم می کند و این خداست که ما را از شر حوادث روزگار حفظ می کند و کلاً لحظه به لحظه زندگی ما دست خداست و تمام مسئولیت زندگی ما دست خداست. پس چرا ما باید خدا را محور زندگی خویش قرار ندهیم. شما از جای خویش پا میشوید می گوئید "یا علی" ؛ می نشینید می گوئید "یا علی" ؛ سلام و خدا حافظی شما شده "یا علی" ؛ و هزاران مورد دیگر که همه مطلعند. آیا اینها خدا را به حاشیه نمی راند. با چه زبانی بگویم که شما دارید مقدسین را ذکر می کنید. ذکر علی و سایر مقدسین

برای شما به يك عادت روزانه تبدیل شده است و در روز صدها مورد به علي و حسين توسل می جوید آیا انصافاً این اعمال خدا را به حاشیه نم براند. کسی که خدا را به حاشیه براند ، خودبخود در منجلاب گناهان خواهد افتاد.

آیا خدا به تمجید خود بوسیله انسان نیاز دارد؟

۲

بیشتر از نصف قرآن در تمجید و عظمت خداست. علاوه بر آن اکثر آیات قرآن با صفات دوتایی مربوط به خدا پایان می یابد. اگر قرآن را يك نگاهی بکنید می بینید که اکثر آیات آن با غفور رحیم ، رؤوف رحیم و ... پایان می یابد. آیا نعوذ بالله خدا مغرور است که این همه به تمجید خود پرداخته است؟ آیا خدا به تمجید ما نیاز دارد؟ البته که ما میبایم نیاز داریم. ما نیاز داریم که فقط خدا را محور زندگی خویش قرار دهیم. شما اگر فقط خدا را محور زندگی خویش قرار ندهید ، بعد از مدتی جذب مقدسین و مال دنیا خواهید شد. این قاعده دنیاست. دنیا تا بوده و هست اینجوری است و خواهد بود. کسانی که مقدسین خویش را روزانه ذکر می کنند بعد از مدتی جذب ظواهر دنیایی می شوند و نفاق در آنها ظاهر می شود. خواهش می کنم گوش کنید. این حرفها راست است ، شوخی نیست.

فقط بتها عوض می شود

۳

مسلمانان سنتی برای اثبات عقاید خویش از هر توجیهی استفاده می کنند. بجای اینکه ثابت کنند که باید خدا محور زندگی باشد ، میخواهند مقدسین خویش را ثابت کنند و آنان را محور زندگی خویش قرار دهند. خدای مهربان هیچ جای قرآن دستور نداده است که ما از پیامبر محمد و سایر مقدسین طلب کمک کنیم. اما با کمال تأسف مسلمانان سنتی می گویند:

همانطور که در آیه زیر گفته است ما به رسول گرامی توسل می کنیم زیرا که در آیه زیر گفته کسانی که به خود ظلم می کنند باید پیش رسول بروند و رسول هم باید برای آنها طلب استغفار کند. سپس نتیجه می گیرند که آنها هم از این به بعد پیش رسول و در حال حاضر مرقد رسول (زیرا که رسول زنده نیست و مرقدش نماینده اوست) و سایر مقدسین رفته تا که برای آنان طلب استغفار کنند.

[4:64] وما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم

جاعوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما

[4:64] ما هیچ رسولي را نفرستادیم، جز آنکه مطابق با خواست خدا از او

اطاعت شود. اگر آنها هنگامی که به نفس خویش ستم کردند، نزد تو آمده بودند و از خدا طلب بخشش می کردند و رسول برای آمرزش آنها دعا می کرد، خدا را

آمرزنده و مهربانترین می یافتند.

همانطور که میبینید مسلمانان سنتی از هر بهانه ای برای ادامه دین آبا و اجدادی خود استفاده می کنند. هنوز توجه نکرده اند که معنی آیه آن نیست که آنها می خواهند. واقعا چطوری خدا بعد از یکتاپرستی دوباره امر به بت پرستی می کند و فقط بتها را عوض می کند. بطوریکه مجسمه جایی خود را به مقبره رسول و مقدسین می دهد!! مگر آن مجسمه ها هم که در کعبه بودند نماینده آدمهای صالحی نبوده اند. هنوز توجه نکرده اند که مردم دنیا هیچوقت از آدم بد مجسمه نمی سازند. بلکه در طول تاریخ همیشه تمام بتهای داخل خانه کعبه و جاهای دیگر از آدمهای صالح و خوب ساخته شده بودند. واقعا حيله شيطان خيلي کارا است. بزرگترین بت خانه کعبه تمثال پیامبر ابراهیم بود. بعضی بتها مونث بودند و این بتهای مونث به عنوان فرزندان خدا یا همان ملائک شناخته میشدند. برخلاف تصور بعضی ها، مشرکین خدا را می شناختند و کلمه الله را بکار میبردند و حتی معتقد بودند که تمام کائنات را الله ساخته است. اما آنها معتقد بودند که مقدسینشان وساطت بین خدا و آنها را انجام می دهد. لات و عزی فقط يك اسم نبودند، بلکه اسم مقدسین قبلی اعراب بودند. لات و عزی افراد صالحی بودند. اما مردم به آنها دل بسته بودند و بعد از فوت این افراد صالح به علت عشق زیاد، از آنها مجسمه هایی ساخته بودند. این مجسمه ها از نظر اعراب فقط یادگار مقدسین بود. اعراب آن دوره آنقدر عاشق لات و عزی بودند که حاضر نبودند آنان را از دست دهند. آن مجسمه ها برای اعراب جاهلی فقط يك تکه سنگ نبود بلکه یادگار گذشتگان بود، آنان از این مجسمه ها خاطره ها داشتند. اما با همه اینها خدای مهربان دستور به ترك این مراسم کرد. چرا؟ زیرا خدا را از محور خارج می کرد و خدا را به حاشیه می راند.

آیه ۶۴: ۴	۴
-----------	---

اگر آیات قبل و بعد از ۴:۶۴ را نگاه کنیم میبینیم که موضوع راجع به عده ای منافق است که رسول را اذیت کرده بودند و قضاوت پیش کسی غیر از رسول برده بودند. خدا هم به آنها می گوید که اگر آنها پیش رسول می آمدند و از خدا طلب مغفرت می کردند و رسول هم از خدا برای آنان طلب مغفرت می کرد، خدا را آمرزنده و مهربان می یافتند. زیرا که آنان به رسول خدا اعتماد نکرده بودند و قضاوت پیش کسی دیگر برده بودند. در اول آیه هم خدای مهربان می گوید که ما هیچ رسولي نفرستادیم جز آنکه مطابق خواست خدا از او پیروی شود (نه اینکه بت شود).

[63:5] وَاِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رِعْوَ سُهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصْدُونَ

وهم مستکبرون

[63:5] هنگامی که به آنها گفته می شود: "بیاید تا رسول خدا برای آمرزش شما دعا کند." با تمسخر سر خود را برمی گردانند و می بینی که دیگران را بازمی دارند و متکبرانه رفتار می کنند.

در این آیه چندین نکته به چشم میخورد:

یک : همانطور که در آیه می بینید خدا به منافقین دستور می دهد که ابتدا از خدا طلب استغفار کنند و بعد به خاطر ظلمی که به رسول کرده اند (حق الناس) ، رسول هم از خدا برای آنها طلب استغفار کند.

دو : منافقین باید پیش رسول میرفتند (جاءوك) و نزد رسول از **خدا** طلب استغفار می کردند. نمی شد از راه دور از روح رسول معذرت خواهی کنند و این نشان می دهد که این آیه فقط در زمان زنده بودن رسول قابل اجراست.

سه : دقیقا آیه فوق توسل به غیر خدا را رد می کند . در این آیه خدای متعال می فرماید که **اگر آنها از خدا طلب بخشش می کردند** نه اینکه از رسول بخواهند که رسول برای آنها طلب بخشش کند . بنابراین هرگونه طلب آمرزش باید مستقیما از خدا خواسته شود و در غیر اینصورت بنا بر آیات متعدد قرآن این عمل شرک محسوب می شود . رسول همانند دیگر افراد بشر می تواند برای کسانی که می شناسد ، از خدا طلب آمرزش نماید .

چهار : آیه نگفته که بروید و از رسول درخواست کنید بلکه رسول باید خودش اقدام می کرد برای طلب دعا (واستغفر لهم الرسول). یعنی اینکه بعد از اظهار پشیمانی منافقین ، رسول خود بخود برای آنها طلب استغفار می کرد.

پنج : ابتدا می بایست از خدا طلب بخشش می کردند. همانطور که دیدید حتی همین آیه را هم به زمان حال برگردانیم باز مقصود شما حاصل نمی شود.

شش : آیه در مورد منافقان است. چرا شما خودتان را گناهکار می دانید و خودتان را جای منافقان می گذارید؟ چرا پیامبران و صالحان را الگوی خویش قرار نمی دهید ، که هیچوقت از غیر خدا طلب کم نکرده اند. میتوانید به دعاهای پیامبران و صالحان مراجعه کنید. کدامیک غیر خدا را واسطه بخشش گناهان قرار داده اند؟

اگر قرار باشد که آیه ۶۴: ۴ را به زمان حال برگردانیم و پیش رسول مرده برویم تا برای ما طلب استغفار کند ، حال دو آیه زیر را چطوری در زمان حال اجرا کنیم؟

[49:4] و اما کسانی که از پشت دیوارها تو را صدا می کنند، اکثرشان نمی فهمند.

[49:5] اگر آنها صبر می کردند تا تو نزد آنها بیرون می آمدی، برای آنها بهتر می بود. خداست عفوکننده، مهربان ترین.

آیه ۴ و ۵ سوره حجرات را نمی توان در زمان مرده بودن پیامبر اجرا کرد. چطوری می توان منتظر بود تا رسول بیرون آید! زمانی که رسول مرده است. آیه چهار می فرماید که رسول را از پشت دیوارها صدا نزنید. این دیوار می تواند به مقبره ، ساختمان ، شهر و ... تعبیر شود. دقیقا از کارهایی که مسلمانان فعلی در مورد پیامبر انجام می دهند نفی می کند. به همین طریق نمی توان آیه ۶۴: ۴ را در زمان مرده بودن رسول اجرا کرد. این آیات فقط جنبه ارشادی دارند.

همانطور که برادران یوسف پدرشان را اذیت کردند و بعد پیش پدر آمدند گفتند :
"ای پدر ما، برای آمرزش ما دعا کن؛ ما واقعا خطاکار بودیم".

[12:97] قالوا یا بانا استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خطیین

[12:97] گفتند: "ای پدر ما، برای آمرزش ما دعا کن؛ ما واقعا خطاکار بودیم".

همه ما مادرمان برای ما دعا می کنند. شما وقتی مادرت را اذیت کنی مادرت به تو چه می گوید؟ زمانی که مادرت آثار پشیمانی در تو مشاهده کند می گوید ؛ پسر من به جز سلامتی تو از خدا چیزی دیگر نمی خواهم. این يك نوع طلب استغفار است از خدای مهربان از طرف مادرت برای تو. شما وقتی در خیابان به کسی تنه می زنی، در این حالت به طرف می گوئید ببخشید. دوست دارید طرف به تو چه بگوید؟ مطمئنا اگر بگوید خیلی خوب بخشیدم به شما برمی خورد. اگر طرف مغرور نباشد در جواب می گوید خدا ببخشد. این دعایی است از طرف او برای تو و این هیچگونه منافاتی با قرآن ندارد. زیرا ما می توانیم برای هر کسی دعای خیر انجام دهیم. چونکه بخشش در اصل از طرف خداست.

[47:19] فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثوكم

[47:19] بدان که: "خدای دیگری در کنار خدا نیست،" * و برای گناهانت و گناهان تمام مردان و زنان باایمان طلب آمرزش کن. خدا از تصمیم ها و سرنوشت نهایی شما کاملاً آگاه است.

۷	معنای وسیله
---	-------------

آیه دیگری که مورد بهانه قرار می دهند آیه زیر است:

[5:35] یاایها الذین ءامنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة وجهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون

[5:35] ای کسانی که ایمان دارید، هیبت و حرمت خدا را ارج نهید و در جستجوی راه و روشی به سوی او باشید و در راه او بکوشید تا موفق شوید.

خیلی از مسلمانان می گویند که : خدا خودش گفته وسیله بجوید ما هم وسیله جویدیم و پیامبر و امامان را وسیله قرار می دهیم و از آنان طلب کمک می کنیم. در ادامه می گویند که ما پیامبر و امامان را وسیله قرار می دهیم نه به این معنا که آنان از خدا مستقلند بلکه رابطه و وسیله ای بین خدا و ما هستند! در جواب باید گفت که خدا گفته وسیله **بجوید**، نگفته وسیله را **بخوانید**. مثلاً شما دلت تنقلات میخواید و پیش مادر خویش می روید و از او مقداری تنقلات می خواهید. مادرت کلید کمد را به تو داده و می گوید بگیر و خودت پیدا کن. حالا آیا شما می توانید کلید را بخورید به جای تنقلات. کلید برای این است که شما کمد را باز کنید ، زیرا **تنقلات** داخل کمد است.

مثلاً در آیه زیر خدای مهربان فرموده که بوسیله نماز و صبر کمک بخواهید.

[2:153] یاایها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصبرین
[2:153] ای کسانی که ایمان دارید، از طریق صبر و نماز کمک بجوید. خدا با کسانی است که صبورانه استقامت می ورزند.

خدا می فرماید که بوسیله نماز و صبر کمک بخواهید. نماز و صبر وسیله هستند. چطوری؟ شما نمی توانید که نماز و صبر را بالای طاقچه بگذارید و بعد از مدتی بخوری! هر چیزی استفاده ای دارد. نماز برای خواندن و اقامه کردن است. صبر هم یعنی صبر. پیامبر هم وظیفه اش ابلاغ قرآن بود! شما نمی توانید بگویند که ای نماز کمک کن بلکه نماز را باید به جا آوری. همانطور هم برای پیامبر ، شما

نمی توانید بگویید ای پیامبر کمک کن تا بچه ام شفا یابد. بلکه پیامبر آمده که به حرفهایش گوش کنی نه اینکه از او طلب کمک کنی به جای خدا. پیامبر چه کمکی به شما می تواند بکند غیر از اینکه به رسالتش عمل کنی! حساب و کتاب دست خداست نه پیامبر. آیا غیر از این است؟ در واقع کمک پیامبر به ما همان راهنمایی اوست. یعنی پیامبر ما را به راه راست راهنمایی می کند و پس در واقع ما را کمک می کند.

[5:99] ما على الرسول الا البلغ والله يعلم ما تبون وما تكتمون
 [5:99] تنها وظیفه رسول رساندن پیام است و خدا هرچه را آشکار کنید و هرچه را پنهان نمایید، می داند.

[13:40] وان ما نرينك بعض الذي نعدهم او نتوفينك فانما عليك البلغ وعلينا الحساب

[13:40] اگر آنچه را که به آنها وعده می دهیم، به تو نشان دهیم یا زندگی تو را پیش از آن به پایان برسانیم، تنها مأموریت تو رساندن (پیام) است. این ما هستیم که به حسابشان رسیدگی خواهیم کرد.

[6:52] ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه ما عليك من حسابهم من شيء وما من حسابك عليهم من شيء فتطردهم فتكون من الظلمين
 [6:52] و آنان را که روز و شب پروردگار خود را می خوانند و خود را فقط به او اختصاص می دهند، از خود دور نکن. نه تو مسئول حساب آنها هستی و نه آنها مسئول حساب تو. اگر آنها را طرد کنی، از ستمکاران خواهی بود.

پیامبر به عنوان يك وسیله	۸
--------------------------	---

همانطور که میدانیم پیامبران **وسیله** هدایتند نه جوابگویی دعاهای مردم. هر وسیله ای کاربردی دارد. پیروان حدیث هنوز نمی دانند که هر وسیله ای استفاده ای و وظیفه ای دارد. رسول وظیفه اش مشخص است، این مساله خیلی ساده است. بنابراین پیامبر محمد وظیفه ای داشت که آن را انجام داد و آن هم آوردن قرآن بود. پیامبر محمد نمی تواند در روز جوابگویی میلیونها نفر با زبانهای مختلف در اقصا نقاط جهان باشد. این صفت فقط مخصوص خداست. قائل شدن چنین صفتی به بهانه توسل و یا شفاعت و یا استغفار برای کسی دیگر غیر از خدا شرك محض است. در حقیقت شرك یعنی همین. این حيله شیطان است برای گمراه کردن مردم.

شبهه	۹
------	---

عده اي ديگر شبهه زير را دليل مي آورند. مي گویند که چرا خدا يكبار مي گوید که خدا جانها را مي گیرد (الله يتوفى الانفس حين موتها در آیه ۴۲: ۳۹) و يكبار ديگر مي گوید که ملائک جانها را مي گیرند (الذين تتوفهم الملائكة در ۲۸: ۱۶). به اين طريق ميخواهند ثابت کنند که طلب کمک از مقدسين عين کمک از خداست.

[۳۹: ۴۲] الله يتوفى الانفس حين موتها والتي لم تمت في منامها فيمسك التي قضى عليها الموت ويرسل الاخرى الى اجل مسمى ان في ذلك لآيت لقوم يتفكرون [۳۹: ۴۲] خدا نفس ها را هنگامي که عمرشان به پايان مي رسد و همچنين به هنگام خواب مي ميراند. اين چنين، او برخي را در خلال خوابشان مي برد، در حالي که ديگران اجازه دارند تا مدتي که از پيش براي آنها تعيين شده است، به زندگي ادامه دهند. اين بايد درس عبرتي باشد براي مردمي که تفکر مي کنند.

[۱۶: ۲۸] الذين تتوفهم الملائكة ظالمي انفسهم فالقوا السلم ما كنا نعمل من سوء بلى ان الله عليم بما كنتم تعملون [۱۶: ۲۸] فرشتگان آنها را در حال ستم به نفس خویش به مرگ درمي آورند. آن زماني است که آنها سرانجام تسليم مي شوند و مي گویند: "ما هيچ کار بدی انجام ندادیم." آری؛ البته. خدا از آنچه کرده اید، كاملاً آگاه است.

جواب شبهه فوق :

هر وسيله اي کاربردي دارد. پيروان حديث هنوز نمي دانند که هر وسيله اي استفاده اي و وظيفه اي دارد. مثلاً نماز وسيله است براي نزديک شدن به خدا. نماز را چطوري مي توان استفاده کرد؟ نماز را بايد به جا آورد و خواند در سر وقت مشخصي تا که ما را به ياد خدا بيندازد و در نتيجه ياد خدا ما را از فحشا و منکر بازدارد. اما ما نمي توانيم بگوئيم که اي نماز کمکم کن و بچه ام را شفا بده. به همين صورت پيامبر هم ما را راهنمايي مي کند تا به طرف خدا برويم. ما نمي توانيم بگوئيم که اي پيامبر بچه ام را شفا بده. زيرا پيامبر وسيله اين کار نيست. پيامبر وسيله هدايت است. به همين خاطر خدای مهربان يكبار هدايت را به پيامبر نسبت مي دهد و يكبار ديگر آن را به خدا نسبت مي دهد و يكبار ديگر آن را به کتاب قرآن نسبت مي دهد. زيرا هم کتاب قرآن و هم پيامبر وسيله هدايتند اما در واقع خداست که هدايت مي دهد و کتاب و پيامبر فقط وسيله اند. اما نمي توان پيامبر را وسيله شفای بچه دانست. به همين منوال خدای مهربان يكبار مي فرمايد "خدا جانها را ميگيرد" و بار ديگر مي فرمايد "فرشتگان مرگ جانها را مي گیرند". زيرا فرشتگان مرگ وسيله جان گرفتن هستند و بنا بر اين در اين مورد هيچ اشکالي ندارد که آن عمل را هم به خدا و هم به فرشتگان نسبت داد اما در اصل خداست که جان را مي گیرد و فرشتگان فقط وسيله اند. اما نمي توان شفای

بچه را به فرشتگان مرگ نسبت داد زیرا در حیطة کار آنان نیست. بنابراین شناخت **وظیفه و سیله** بسیار مهم است. اگر وظیفه و سیله را تغییر دهیم ، در واقع به يك نوعي مبتلا به شرك شده ایم. شرك یعنی همین. باور کنید شرك همینجوري بوجود آمده و خواهد آمد. این را قطعا باور کنید.

۱۰ سوال بدون جواب

خیلی از مردم فکر می کنند در حال حاضر پیامبر آنان را می بیند و راز و نیاز آنان را می شنود. چرا پیامبر در زمان حیاتش چنین قدرتی نداشت. چرا همینکه فوت کرد صاحب چنین قدرتی شد !!! اگر پیامبر به خاطر خوب بودنش چنین قدرتی پیدا کرده است ، پس چرا از زمان شروع پیامبریش چنین قدرتی نداشت ، و چرا دقیقا بعد از مرگ چنین قدرتی به او نسبت داده می شود؟ آیا این حيله شیطان نیست؟

۱۱ رسول فقط زبان قوم خویش را می فهمد

خیلی از مردم دنیا با زبانهای مختلفی صحبت می کنند یکی چینی یکی فارسی یکی عربی یکی ترکی . پیامبر قاعدتا باید این زبانها را بلد باشد تا که منظور زائرین را بفهمد ؟ آیا پیامبر چنین قدرتی به او داده شده است؟

[۴: ۱۴] وما ارسلنا من رسول الا **بلسان قومه** لیبین لهم فیصل الله من یشاء ویهدی من یشاء وهو العزیز الحکیم

[۴: ۱۴] ما هیچ رسولي را جز به زبان قومش (برای پنددادن) نفرستادیم تا چیزهایی را برایشان روشن کند. سپس خدا هر که را بخواهد، گمراه می کند و هر که را بخواهد، هدایت می نماید. اوست صاحب اقتدار، حکیمترین.

۱۲ سمیع و بصیر بودن فقط مختص خداست

آیا سمیع و بصیر بودن و در همه مکانها حاضر و ناظر بودن کار فقط خدا نیست؟ آیا قائل شدن چنین صفاتی برای کسی غیر از خدا شریک قرار دادن برای او نیست؟؟ اگر بگوییم که خدا خودش چنین قدرتی به پیامبر داده یعنی اینکه خدا برای خودش نعوذ بالله شریک انتخاب کرده است !!

۱۳ باز هم ۴: ۶۴

آیه ۶۴ سوره نساء را نگاه کنید:

[4:64] وما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما
[4:64] ما هیچ رسولي را نفرستادیم، جز آنکه مطابق با خواست خدا از او اطاعت شود. اگر آنها هنگامی که به نفس خویش ستم کردند، نزد تو آمده بودند و از خدا طلب بخشش می کردند و رسول برای آمرزش آنها دعا می کرد، خدا را آمرزنده و مهربانترین می یافتند.

ابتدای آیه خدای مهربان می فرماید که " ما هیچ رسولي را نفرستادیم، جز آنکه مطابق با خواست خدا از او اطاعت شود ". این نکته خیلی مهم است. خدا با این جمله می خواهد بگوید که پیامبر وظیفه اش اینه که مردم را به راه راست راهنمایی کند. وظیفه اش بخشش گناهان و طلب استغفار برای مردم نیست. موردی هم در این آیه گفته شده است يك مورد علت معلولي است. زیرا منافقین به پیامبر خیانت کرده بودند و قاعدتا و عقلا میبایستی از رئیس جنبش اسلام (که همان پیامبر محمد بود) عذرخواهی می کردند. این به آن معنا نیست که تمام مسلمانان بعد از مرگ رسول باید بعد از انجام هر گناهی (مثل گناه منافقین) باید پیش مرقد رسول رفته و از او طلب استغفار کنند .

آیا این اتفاقی است که خدا در اول آیه می فرماید:

که " ما هیچ رسولي را نفرستادیم، جز آنکه مطابق با خواست خدا از او اطاعت شود "

آیا این اتفاقی است؟

آیات مربوط به مشرکین ۱۴

معلوم نیست که بعضی از مسلمانان چرا اصرار دارند که باید مثل منافقان باشند و به پیامبر خیانت کرده اند و حتما باید پیش مرقد پیامبر رفته و از او عذر خواهی کنند. زمانی که آیات قرآن مربوط به منع درخواست کمک از مقدسین برای آنها گفته می شود، می گویند که این آیات مربوط به مشرکین است. اما حالا خود از يك آیه که مربوط به منافقین است استفاده می کنند. آیا این عجیب نیست؟ آیا این تناقض نیست؟

[۳۹:۴۳] ام اتخذوا من دون الله شفعاء قل اولو كانوا لا يملكون شيئا ولا يعقلون

[۳۹:۴۳] آیا شفاعت کنندگانی از خود ساخته اند تا در میان آنها و خدا واسطه شوند؟ بگو: "اگر آنها هیچ قدرتی یا فهمی نداشته باشند، چطور؟"

سفسطه ۱۵

بعضی از مسلمانان می گویند که ما همانطور که از دکتر برای شفای مریضی استفاده می کنیم. همانطور هم مقدسین را واسطه دعاها یا خویش قرار می دهیم. با خواندن قرآن متوجه می شویم که یکی از خصوصیات دعا تضرع و زاری است. یعنی ما باید خاضعانه و خاشعانه خدا را بخوانیم. آیا شما پیش دکتر میروید با تضرع و زاری از او کمک می خواهید؟ آیا دکتر می تواند ماشین شما را تعمیر کند؟ یعنی هرکس در یک چیزی تخصص دارد. درست است که پیامبر فرد بزرگی بود ولی او نمی تواند روزانه جوابگوی دعاها یا میلیونها نفر باشد. پیامبر برای اطاعت کردن بود. آیا اگر دکتر بمیرد می تواند مریضی شما را شفا دهد. آیا شما می توانید پیش دکتر مرده بروید و از او تقاضای کمک کنید تا مریضی شما را شفا دهد؟

[7:55] ادعوا ربکم تضرعا و خفیه انه لا یحب المعتدین

آیا رسول به شما جواب داده است؟ ۱۶

برادران یوسف در زمان زنده بودن یعقوب عذرخواهی کردند بخاطر گناهی که در حق پدر خویش مرتکب شده بودند. پدر هم جوابشان را داد. آیا شما که پیش مرقد رسول میروید و از او طلب استغفار میکنید، آیا جوابی از او شنیده اید؟

[12:97] قالوا یابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خطیین

[12:97] گفتند: "ای پدر ما، برای آمرزش ما دعا کن؛ ما واقعا خطاکار بودیم."

کسانی را که معبود خود قرار داده اید بکلی از شما بی خبرند. ۱۷

قائل شدن نیرو و قدرت برای فردی که آن فرد آن را ندارد. این یعنی چی؟ این یعنی شرک. شرک یعنی قدرتی را برای کسی قائل شدن که آن قدرت واقعا توی آن فرد نیست. آیا شما مطمئنید که پیامبر محمد و سایر مقدسین صدای شما را

میشوند؟ آیا مطمئنید؟ آیا قلبا اطمینان دارید؟

[٤٦:٥] ومن اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة وهم
عن دعائهم غفلون

[٤٦:٥] کیست گمراه تر از آنان که معبودانی را در کنار خدا می خوانند که آنها
تا روز رستاخیز نتوانند پاسخشان دهند، و آنان از عبادات آنها به کلی بی خبرند؟

۱۸ پیامبر مسیح خبر ندارد که نسل آینده او را خدا قرار داده اند

بر طبق آیه صریح قرآن پیامبر مسیح از پیروان خویش اطلاع ندارد. پس با چه
دلیلی شما می گوئید که پیامبر محمد و سایر مقدسین از احوال شما باخبرند و
صدای شما را می شنوند؟ با چه دلیلی؟ آیا سایر مقدسین از پیامبر مسیح بالاترند؟

[5:116] واذ قال الله يعيسى ابن مريم ءانت قلت للناس اتخذوني وامى الهين من
دون الله قال سبحنك ما يكون لي ان اقول ما ليس لي بحق ان كنت قلته فقد علمته
تعلم ما في نفسي ولا اعلم ما في نفسك انك انت علم الغيوب

[5:117] ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله ربي وربكم وكنت عليهم
شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم وانت على كل شيء شهيد

[5:116] خدا خواهد گفت: "ای عیسی، پسر مریم،* آیا تو به مردم گفתי که
مرا و مادرم را معبودانی در کنار خدا قرار دهید؟" او خواهد گفت: "تجلیل تو را
من نمی توانستم چیزی جز حقیقت بر زبان آورده باشم. اگر من آنرا گفته بودم، تو
از آن خبر داشتی. تو از افکار من آگاهی و من از افکار تو بی خبرم. تویی که بر
تمام اسرار واقفی.

" [5:117] من به آنها فقط چیزی را گفتم که تو به من امر کردی بگویم، که:
"خدا را بپرستید، پروردگار من و پروردگار شما." من تا زمانی که با آنها زندگی
می کردم در میانشان شاهد بودم. هنگامی که تو به زندگی من در زمین خاتمه
دادی، تو بر آنها ناظر بودی. تو بر همه چیز شاهی.

۱۹ بعضی آیات فقط جنبه ارشادی دارند

بعضی آیات قرآن به این معنا نیست که در آینده و بعد از مرگ رسول حتما باید
خاصیت اجرا داشته باشد، بلکه بعضی آیات جنبه ارشادی دارد.

مثلا سوره حجرات را نگاه بفرومائيد:

[49:4] ان الذين ينادونك من وراء الحجرت اكثرهم لا يعقلون
[49:5] ولو انهم صبروا حتى تخرج اليهم لكان خيرا لهم والله غفور رحيم

[49:4] و اما كساني كه از پشت ديوارها تو را صدا مي كنند، اكثرشان نمي فهمند.

[49:5] اگر آنها صبر مي كردند تا تو نزد آنها بيرون مي آمي، براي آنها بهتر مي بود. خداست عفوكننده، مهربان ترين.

دو آيه بالايي جنبه ارشادي دارند. آيه ۵: ۴۹ در زمان ما در نقش پيامبر محمد چطوري مي تواند باشد؟ چطوري مي توان صبر كرد تا پيامبر محمد بيرون آيد؟ پس مي توان نتيجه گرفت كه بعضي آيات كه در آنها از پيامبر محمد صحبت كرده است، در زمان ما ديگر قابل اجرا نيست. چطوري مي توان پيش پيامبر محمد رفت وقتي كه او مرده است. اينكه برويم و از مرقد او طلب كمك كنيم چيزي نيست جز حيله شيطان ملعون. اينكه شما ۴: ۶۴ را به زمان حال منتقل كنيد و احساس كنيد كه رسول صدي استغفار شما را مي شنود، پس چرا آيات ۴ و ۵ سوره حجرات را به زمان حال نياوريم. آن دو آيه مي گویند كه از وراي ديوار و حجره و مقبره و ساختمان و شهر و ... رسول را صدا نزنيد. پس شما چرا پيش مقبره رسول رفته و او را صدا مي زنيد؟

۲۰ چرا خودمان را جاي مومنان نگذاريم؟

كدام يك از پيامبران از غير خدا طلب كمك كرده اند. چرا ما پيامبران را الگوي خويش قرار ندهيم. چرا شما بايد نقش منافقين را در زندگي خويش اجرا كنيد؟ چرا شما خودتان را در نقش منافقين در آيه ۴: ۶۴ ميگذاريد و خود را ملزم مي كنيد كه از رسول طلب استغفار كنيد؟ چرا خودتان را جاي مومنان نمي گذاريد؟ كداميك از صالحين غير خدا را در دعاهاي خويش خوانده اند؟ کدام؟ لطفاً به تعدادي از دعاهاي صالحين در قرآن توجه فرمائيد. چرا شما اين افراد صالح را الگوي خويش قرار نمي دهيد و مثل آنان از فقط خدا كمك نمي خواهيد؟

نوح:

[26:118] فافتح بيني وبينهم فتحا ونجني ومن معي من المؤمنين

[26:118] مرا در مقابل آنها پیروز گردان و من و مؤمنان همراه مرا نجات بده .

ایوب:

[38:41] واذکر عبدنا ایوب اذ نادى ربه اني مسني الشيطان بنصب وعذاب

[38:41] به یاد آور بنده ما ایوب را. او پروردگارش را صدا کرد: "شیطان مرا به درد و رنج دچار کرده است".

زن فرعون:

[66:11] وضرب الله مثلا للذين آمنوا امرات فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظلمين

[66:11] و خدا از کسانی که ایمان آوردند، زن فرعون را مثال می زند. او گفت: "پروردگار من، نزد خودت در بهشت خانه ای برای من بساز و مرا از دست فرعون و کارهایش نجات ده؛ مرا از مردم ستمکار برهان".

یونس:

[21:87] وذا النون اذ ذهب مغضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمت ان لا اله الا انت سبحتك اني كنت من الظلمين

[21:87] و ذوالنون (یونس، "کسی که در نامش "ن" است")، ماموریت خود را با اعتراض رها کرد و فکر می کرد ما نمی توانیم او را کنترل کنیم. او سرانجام در ظلمات (شکم ماهی بزرگی) شروع به التماس کرد: "غیر از تو خدایی نیست. تجلیل تو را. من مرتکب گناهی بزرگ شده‌ام".

زکریا:

[21:89] و زكريا اذ نادى ربه رب لا تذرني فردا وانت خير الورثين

[21:89] و زكريا به درگاه پروردگار خود دعا كرد: "پروردگارا، مرا بدون وارث مگذار، گرچه خود بهترين وارثي".

يوسف:

[12:33] قال رب السجن احب الي مما يدعونني اليه والا تصرف عني كيدهن اصب اليهن واكن من الجهلين

[12:33] او گفت: "پروردگار من، زندان بهتر است از اينكه خود را در اختيار آنها بگذارم. اگر تو حيله آنان را از من دور نكني، شايد به آنها تمايل پيدا كنم و مانند نادانان رفتار نمايم".

كسي كه خود در يك موضوع دنبال وسيله است نمي تواند وسيله باشد.	۲۱
--------------------------------------------------------------	----

[۵:۳۵] يا ايها الذين ءامنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة وجهدوا في سبيله لعكم تفلحون

در آيه بالايي خدای مهربان می فرماید که در راه رسیدن به خدا وسيله بجوييد. اما هر وسيله اي کاربردي دارد و هر وسيله اي وظيفه اي دارد. پیامبر يك وسيله است اما وسيله اي که وظيفه مشخصي دارد. پیامبر کارش ابلاغ پیام خداست. پس ما مي توانيم در اين مورد پیامبر را وسيله قرار دهيم. اما ما نبايد از پیامبر طلب شفای بچه كنيم. خورشيد نور مي دهد و در اين مورد وسيله است اما خورشيد نمي تواند در ساير كارها وسيله باشد. زيرا خورشيد قادر به انجام هر كاري نيست. ملكه سبا و قومش يك زماني خورشيد پرست بودند. چون آنها خورشيد را در تمام زندگي خویش موثر مي دانستند. مثلا معتقد بودند که با وسيله قرار دادن خورشيد ، مي توانند طلب شفاعت کنند و مي توانند با وسيله قرار دادن خورشيد ، شفای بچه شان را بخواهند. در واقع خورشيد را در تمام زوايا ، موثر در زندگي خویش مي دانستند. آنها خورشيد را مقدس مي دانستند و به اين طريق از وسيله اي به اسم خورشيد ، بد استفاده مي کردند. وسيله را بايد درست استفاده کرد. اگر وسيله را درست استفاده نکنيد ، دقيقا مرتكب شرك شده ايد. انسانهاي اوليه که خيلي از نیروهاي طبيعت برایشان ناشناخته بود ، متوسل به بعضي از اين نیروها و مرده هاي خویش مي شدند. بعد از مدتي آن نیروها و مرده ها نزد آنان مقدس مي شد.

وسیله تا جایی کاربرد دارد. پیامبر در راهنمایی به راه راست وسیله بود. اما در پرستش و نیایش وسیله نبود زیرا در این مورد خودش هم دنبال وسیله بود. همانطور که در آیه زیر میبینیم ، پیامبر محمد و سایر مقدسین در نیایش و ادعیه خودشان دنبال وسیله اند. **کسی که در يك مورد خود دنبال وسیله است چطوري مي تواند وسیله باشد؟؟؟**

[۱۷:۵۷] اولئك الذين يدعون يبتغون الي ربهم الوسيلة ايهم اقرب ويرجون رحمته ويخافون عذابه ان عذاب ربك كان محذورا

[۱۷:۵۷] حتي معبوداني که آنها مي خوانند خودشان در جستجوي راه و وسیله اي به سوي پروردگارشان هستند. آنها براي رحمت او دست به دعا برمي دارند و از عذاب او مي ترسند. مطمئنا، عذاب پروردگارت وحشتناک است.

۲۲ يك مثال در مورد وسیله

پرهیزگاری را که شما از آنان کمک میخواهید، خودشان به درگاه خدا دعا می کردند. برای تفهیم مطلب به يك مثال توجه فرمائید. دو نفر که هر دو بیکارند برای پیدا کردن کار به يك کارخانه می روند. راهشان دور است به همین خاطر زود راه می افتند و به طور اتفاقی چند ساعتی زودتر به دفتر کارخانه می رسند. در این مدت آن دو نفر با هم آشنا می شوند و حرفها و نظرات هم را می شنوند. از نظرات هم دیگر استفاده می کنند تا که در امتحان ورودی قبول شوند. در این مورد این دو نفر همدیگر را وسیله قرار داده اند زیرا از نظرات و ایده های همدیگر استفاده کرده اند. بعد یکی از افراد که اطلاعاتش ضعیف تر است رو به آن یکی می کند و می گوید که جناب می شود که من را در این آزمون قبول کنید. طرف مقابل تعجب می کند و می گوید که من! چرا من! بابا تو عجب آدمی هستی ، من که خودم دنبال کارم. من خودم می خواهم در این آزمون قبول شوم. مگه تو خودت نمی بینی که من خودم دارم تلاش می کنم که در این آزمون قبول شوم. آخه این چه درخواستیه که تو از من کردی!

از داستان بالا منظور فقط این بود که پیامبر می تواند وسیله باشد ولي وقتي پاي اصل کاریه به میان بیاد ، دیگه کسی وسیله نیست. مگه نمی بینید که پیامبر خودش هم از غیر خدا طلب کمک نمی کرد. مگر نمی بینید که پیامبر خودش هم يك سوم شب را نمی خوابید و نماز شب می خواند ، مگر نمی دانید که پیامبر خودش به یتیمها کمک می کرد ، مگر نمی دانید که پیامبر تمام هم و غمش ورود به بهشت بود. پس پیامبر هم خودش دنبال وسیله بود. برای چی؟ برای رسیدن به

هدف عالی . آن هدف عالی هم طلب بخشش و دعا و پرستش است. اینجا دیگه خط قرمز است و باید خودت مستقیم از خدا بخواهید.

۲۳ تلاش خود انسان از هر چیزی بهتر است

باید خود ما تلاش کنیم و خود را پرورش دهیم. ما باید خودمان تلاش کنیم تا که به خدا نزدیک شویم. اگر یکی دیگر ما را به خدا نزدیک کند ، بدون اینکه قابلیت و استحقاقش را داشته باشیم ، در این حالت مثل این است که با پارتي بازي وارد تیم ملي فوتبال شوید. مطمئن در این حالت بي نتیجه است و نزد خدا چنین روشي پذیرفته نخواهد شد. به همین خاطر خدا مي فرماید که دنبال روش و وسیله اي باشید تا که شما را به خدا نزدیک کند. مثلاً شما هر سال به خانواده خاصی کمک مي نمائید. این خود يك وسیله است و مطمئناً شما را بیشتر به خدا نزدیک مي کند و شما باید نهایت تلاش خویش را در این مورد بکنید. پاك شدن از طریق يك پارتي مثل راه یافتن به تیم مليه بدون تمرین و استحقاق. درسیستم خدا چنین روشي وجود ندارد.

۲۴ نا امید شدن از خدا مخصوص کافرین است

شما نباید از خدا ناامید شوید و کسی دیگر را در اینمورد واسطه کنید. نباید بگویید که چون ما گناهان زیاد است پس کسی دیگر را واسطه قرار مي دهیم. مگر نمی دانید که خدا ارحم الراحمین است و مي تواند هرکسي را ببخشد. فقط کافران از خدا نا امید مي شوند. لطف خدا بي انتهاست.

[۳۹:۵۳] قل يعبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم
[۳۹:۵۳] اعلام کن: "اي بندگان من که از حد گذشته اید، هرگز از رحمت خدا نومید نشوید، زیرا خدا همه گناهان را مي آمرزد. اوست عفوکننده، مهربان ترین."

۲۵ مشرکان در قیامت ادعا مي کنند که مشرک نیستند

شما که نمی خواهید کافر باشید. پس خواهش میکنم به این حرفها گوش کنید. مساله مرگ و زندگی در میان است ؛ مرگ برای همیشه. آیا دوست دارید که به

جهنم وارد شوید؟ آیا شما دوست دارید که برای همیشه در جهنم عذاب بکشید؟ آیا تا بحال آبجوش روی دستتون ریخته شده است؟ خوب می دانید که چقدر درد دارد. وضعیت جهنم غیر قابل تحمل است. خواهش می کنم خوب توجه کنید. در دعاها و نیایش های خویش فقط خدا را بخوانید. خیلی محترمانه و با زبان خوش دارم شما را به این راه دعوت می کنم. راهی که شما دارید می روید به جهنم می رود. می دانم که شما خود به راه خویش بسیار معتقد هستی و فکر میکنید که راهتون درسته و حتی اطمینان دارید. اما باید بدانید که خیلی از مجرمین در روز قیامت نزد خدای متعال حتی قبول ندارند که مشرک بوده اند و حتی فکر می کنند که راه راست را آنها رفته اند. اما شاید تعجب کنید که این بهانه نزد خدا قابل قبول نیست و همه آن افراد خوش بین وارد جهنم خواهند شد. باور ندارید آیات زیر را نگاه بفرمائید:

[۶:۲۲] **و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین اشرکوا این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون**

[۶:۲۳] **ثم لم تکن فتنتم الا ان قالوا والله ربنا ما كنا مشرکین**

[۶:۲۴] **انظر کیف کذبوا علی انفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون**

[۶:۲۲] **روزی که همه آنان را احضار کنیم، از مشرکان خواهیم پرسید: "کجا هستند شریکائی که قرار می دادید؟"**

[۶:۲۳] **پاسخ مصیبت بارشان چنین خواهد بود: "به خدایی که پروردگار ماست، ما هرگز مشرک نبودیم."***

[۶:۲۴] **بنگر که چگونه به خود دروغ گفتند و چگونه معبودائی که از خود ساخته بودند، آنها را ترک کرده اند.**

[۱۸:۱۰۴] **الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا**
 [۱۸:۱۰۴] **"آنها کسانی هستند که اعمالشان در این دنیا کاملا در گمراهی است، اما فکر می کنند که خوب عمل می کنند."**

۲۶ پیامبر مسیح شاهد بر اعمال امت خویش بود تا زمانی که زنده بود.

بر طبق آیه صریح قرآن پیامبر مسیح از حال پیروانش بی خبر است. باور کنید که عذاب فقط مربوط به نسل قدیم نیست. بلکه خدا برای نسل جدید هم عذاب نازل می کند. پس از عذاب هولناک خدا بترسید. در آیه صریح قرآن خدا می فرماید که مسیح از حال پیروانش بی خبر است. خواهش می کنم منطقی باشید. یکبار دیگر آیه را ببینید.

[۵:۱۱۷] ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله ربي وربكم وكنتم عليهم شهيذا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم وانت على كل شيء شهيد

پیامبر مسیح تا زمانی که میان قوم خویش بوده است شاهد بر آنها بوده است. به کلمه شهیدا در آیه توجه فرمائید. (وکنتم علیهم شهیدا ما دمت فیهم)

۲۷ آیا صالح با قوم خویش که عذاب شده اند و مرده اند حرف میزند؟

عده ای دیگر شبهه وارد می کنند که چرا پیامبر صالح بعد از عذاب قومش، رو به قومش کرده و با آنها صحبت می کند. در حالی که قومش مورد عذاب واقع شده بودند و همه مرده بودند. از همینجا نتیجه می گیرند که پس می توان با مرده ها حرف زد و مرده ها هم صدای ما را می شنوند.

[۷:۷۷] سپس، آن ماده شتر را سر بریدند، از فرمان پروردگار خود سرپیچی کردند و گفتند: "ای صالح، پس آن عذابی را که ما را بدان تهدید می کنی بیاور، اگر واقعا رسول هستی."

[۷:۷۸] در نتیجه، زلزله آنان را هلاک کرد و آنان را بی جان در خانه های خود باقی گذارد.

[۷:۷۹] او از آنها روی گرداند در حالی که می گفت: "ای قوم من، من پیام پروردگارم را به شما رساندم و شما را اندرز دادم، ولی شما هیچ پنددهنده ای را دوست ندارید."

جواب شبهه فوق :

با کمال تأسف عده ای برای دفاع از حدیث و سنت دست به هر استدلالی می زنند. پیامبر صالح آن حرفها را می زند نه به خاطر اینکه مرده ها بشنوند، بلکه به این خاطر که زنده ها بشنوند. به قول معروف "به در می گوید تا دیوار بشنود". صالح میخواست اینجوری منظورش را برساند و این يك نوع خاص از جمله بندی در ادبیات عرب و جهان است که برای رساندن منظور خاصی استفاده می شود و لزومی ندارد که حتما باید مرده ها بشنوند. همانطور که پیامبر ابراهیم بتها را می شکند و همان لحظه به آنها می گوید که "پس چرا نمی خورید؟" "ای بتها پس چرا حرف نمی زنید؟"

[۳۷:۹۱] فراغ الی ءالهتم فقال الا تاكلون

[۳۷:۹۲] ما لکم لا تنطقون

[۳۷:۹۳] فراغ علیهم ضربا بالیمین

[۳۷:۹۱] سپس، او رو به بتانشان کرد و گفت: "آیا مایلید غذا بخورید؟"

[۳۷:۹۲] "چرا سخن نمی گوید؟"

[۳۷:۹۳] سپس آنها را درهم شکست.

این دلیل نمی شود که مجسمه ها صدای او را می شنیدند و یا اینکه می توانستند غذا بخورند. پیامبر ابراهیم فقط جهت رساندن مفهوم و لب کلام این حرفها را میزد و می خواست بگوید که اینها نه می توانند حرف بزنند و نه می توانند چیزی بخورند. این یکی از وجوه رساندن مطلب است. جالب این است که مسلمانان سنتی می گویند که فقط پیامبر و مومنین قادر به شنیدن صدای آنها خواهند بود. این در حالی است که قوم صالح مشرک و کافر بودند ولی باز گفته صالح به قومش را مثال می آورند. مشرکین و کافرین بعد از مرگ بلافاصله وارد عذاب و آتش می شوند. اصلاً فرصت گوش دادن به حرفها را ندارند. تناقض در ایده ها موج میزند!

۲۸ آیا پیامبر شفاعت می کند یا شکایت می کند؟

[۲۵:۳۰] وقال الرسول یرب ان قومي اتخذوا هذا القرءان مهجورا

در این آیه هم خدای مهربان از زبان رسول می فرماید که رسول در قیامت می گوید که ای خدای مهربان قوم من این قرآن را ترک کرده اند. همانطور که میدانید، رسول تا وقتی از قوم خویش خبر دارد که در میان آنها بوده باشد. همانطور که مسیح بعد از ترک این دنیا از حال پیروانش بیخبر است. پس پیامبر محمد هم از حال پیروانش بعد از مرگ بی خبر است. اما خدای قادر مهربان پیامبر محمد را در قیامت آگاه خواهد کرد و به او اطلاع او خواهد رسید که چه بلایی بر سر اسلام و قرآن آمده است. تازه این نکته بسیار مهم دیگری هم دارد و آن این است که: خیلی از مسلمانان فکر می کردند که پیامبر محمد در قیامت شفاعت آنها را می کند. حتی حدیث موجود است که پیامبر محمد گفته است که در قیامت نصف امتش را وارد بهشت خواهد کرد. اما آیه بالایی نشان می دهد که پیامبر محمد نزد خدا از قومش شکایت می کند و رو به خدا می گوید که ای خدای من قوم من قرآن را ترک کرده اند. و به این طریق پیامبر محمد نه تنها شفاعت نخواهد کرد بلکه از قومش نزد خدا شکایت می کند.

۲۹ شفاعت آری یا نه؟

در تعدادی از آیات قرآن شفاعت در قیامت نفی شده است و در تعدادی دیگر آمده است که با اذن و اجازه خدا شفاعتی که حق باشد پذیرفته خواهد شد. واقعیت این است که در قیامت پارتی بازی نخواهد بود. در قیامت وضعیت مسلمانان به اطلاع پیامبر محمد خواهد رسید و او هم با کمال تعجب خواهد دید که در دنیا کتاب قرآن چقدر متروک و مهجور بوده است. پیامبر محمد از اینکه به کتاب قرآن عمل نشده است بسیار تعجب می کند و خدا از او خواهد پرسید که ای محمد آیا تو به اینها گفتی که کتب حدیث و سنت را اختراع کنند. پیامبر محمد آنقدر از بدعتهای مسلمانان شگفت زده می شود که با کمال تعجب از همه آنها نزد خدا شکایت می کند و یاد آور می شود که ای خدای مهربان من فقط قرآن را برای اینها آوردم. من فقط قرآن را تبلیغ کردم. من روحم از کتب حدیث بی اطلاع است. اینها اصلاً به قرآن عمل نکرده اند، به همین خاطر است که وضعیتشون این است.

[۲۵:۳۰] وقال الرسول يرب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا

پس دیدیم که پیامبر محمد نه تنها شفاعت نمی کند، بلکه شکایت هم می کند. سایر مقدسین مثل علی و حسین هم وقتی متوجه می شوند که خیلی از مردم در طول حیاتشان از آنها طلب کمک کرده اند. وقتی متوجه می شوند که خیلی از مردم از آنها طلب شفای بچه خواسته اند. وقتی متوجه می شوند که خیلی از مردم به جای خدا آنها را صدا می زده اند. در این حالت از این اعمال و کردار تبری می جویند و خواهند گفت که ای خدای توانا ما در طول عمرمون از غیر خدا چیزی نخواستیم. ما از اعمال این مردم بی اطلاعیم و از این اعمال مشرکانه تبری می جوئیم.

[۱۰:۲۸] ويوم نحشروهم جميعا ثم نقول للذين اشركوا مكانكم انتم وشركاؤكم فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ما كنتم ايانا تعبدون

[۱۰:۲۸] روزی که همه آنان را احضار کنیم، به کسانی که شرک ورزیدند، خواهیم گفت: "ما شما را همراه با کسانی که بت کرده بودید، احضار کرده ایم." و آنان را با یکدیگر روبرو خواهیم کرد، و کسانی که بت شده بودند به آنها خواهند گفت: "ما هیچ خبر نداشتیم که شما ما را معبود خود قرار دادید."

پس دیدیم که هیچکدام از مقدسین شفاعت پیروانشان را نخواهند کرد. غیر ممکن است که مشرک وارد بهشت شود. واقعا غیر ممکن است و هیچکدام از مقدسین شفاعت مشرک را نمی کنند، این يك اصل است. کسی که از غیر خدا کمک بخواهد مورد شفاعت قرار نخواهد گرفت. اما خدای توانا در قرآن کاملش فرموده است که شفاعت در قیامت با اذن و اجازه او صورت خواهد گرفت. شاید پرسید که پس این آیات چیست؟ همانطور که می دانید هر عمل صالحی که انجام دهیم، همان

عمل صالح نجات دهنده ما در قیامت خواهد بود. ما باید تا می توانیم عمل صالح و آثار نیکو از خود برجای بگذاریم و همین اعمال و آثار خوب شفیع ما خواهند بود. هر ذخیره ای که برای خود بیندوزیم همان ذخیره شفیع ما خواهد بود. مثلاً اگر شما مدرسه ای برای رضای خدا و نه ریا افتتاح کرده ای ، این کار نیک اندوخته و شفيعي است برای شما در روز سخت قیامت. اگر شما در تربیت فرزند صالحی موثر بوده ای ، همین کار نیکو شفیع شما خواهد بود. در کل عرض کنم که شفاعت در این معنا درست و بر طبق قرآن است. به همین خاطر است که در تعدادی از آیات شفاعت نفی شده است و در تعدادی دیگر نفی نشده است. زیرا شفاعت فقط در همین معنا با قرآن مطابقت دارد.

۳۰ شفیع را خدا تعیین می کند نه خود ما

همانطور که میدانید شفاعت مربوط به قیامت است. شفاعت باشد و یا نباشد مربوط به روز قیامت است. ما نمی توانیم تعیین کنیم که کی شفیع ما بشود و یا کی شفیع ما نشود. بلکه این اعمال و کردار ماست که تعیین می کند که ما نجات می یابیم و یا نجات نمی یابیم. ما باید از همین حالا دنبال اعمال صالح و نیک باشیم و دنیا پرست نباشیم و همسر و فرزندان را شریک خدا قرار ندهیم و از غیر خدا طلب کم نکنیم ، تا که خدا در قیامت ما را وارد بهشت کند. شفیع ما هم همان کارها و اعمال صالح و آثار نیکویی است که از خود بر جای می گذاریم. بعضی از مردم از مقدسین خویش طلب کمک می کنند و می گویند که ما اینها را شفیع قرار می دهیم. **اولاً شفاعت در قیامت است و هنوز که قیامت نشده است.** شفیع و حامی در قیامت فقط با انجام کارهای نیکو و آثار نیک بدست می آید و لاغیر. **حتی دست و پای آدمی در قیامت علیه و یا له ما شهادت می دهند. اینها همه اش به یک نوعی شهادت و یا شفاعت است.**

۳۱ پیامبر رحیم تر از خدا!

با ایده شفاعتی که مسلمانان سنتی می گویند ، پیامبر محمد رحیم تر از خداست. این عقیده شرک آمیز بر این مبنا استوار شده است که خدا خودش نمی بخشد و پیامبر محمد واسطه می شود و رحمتش به جوش می آید و خدا هم بخاطر پیامبر محمد آن گناهکاران را خواهد بخشید. واقعا این تفکر کفر آمیز نیست؟ آیا خدا رحیم تر از پیامبر نیست؟ تمام قرآن با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می شود و این نشان می دهد که رحم خدا بیش از حد است. اگر خدا کسی را قابل بخشش تشخیص دهد ، دیگر نیازی ندارد که کسی دیگر بیاید و رحیم تر از او شود.

پیامبر محمد تا وقتی شاهد بود که در میان آنها بود و در قیامت هم فقط شهادت برای کسانی می دهد که واقعا شاهد آنها بوده است. وقتی پیامبر مرد دیگر شاهد کسی نیست. اگر پیامبران و مومنین شاهد همه هستند ، پس چرا در زمان زنده بودن چنین قدرتی نداشتند؟ اگر در جواب بگوییم که بعد از مرگ روح آزاد می شود و روح هم قدرتهای عجیبی دارد. ما اطلاعات اندکی از روح داریم. شما از کجا می دانید که روح پیامبر شاهد همه انسانهاست؟ از کجا؟ مگر شما بر جزئیات روح احاطه علمی دارید. شما دارید فقط شك و گمان را بکار می برید.

[۱۷:۸۵] ویسءلونك عن الروح قل الروح من امر ربي وما اوتيتم من العلم الا قليلا

[۱۷:۸۵] از تو درباره وحی سؤال می کنند. بگو: "وحی از جانب پروردگام می آید. دانشی که به شما داده شده است، بسیار جزئی است."

به گفته آیه قرآن شما که از روح و جزئیات آن اطلاعات چندانی ندارید ، پس چرا چیزی را در مورد روح می گویند که جزئیات آن را نمی دانید. حتی مطمئن نیستید. شما می فرمائید که روح پیامبر محمد و سایر مومنین کلیه اعمال و نیات شما را می بینند و می شنوند. آیا از این ایده خویش کاملا مطمئنید؟ آیا خدا را از چیزی خبر می دهید که خدا نعوذ بالله نمی داند؟

[۱۰:۱۸] ویعبدون من دون الله ما لا یضرهم ولا ینفعهم ویقولون هوالء شفعونا عند الله قل اتنبءون الله بما لا یعلم فی السموت ولا فی الارض سبحنه وتعلی عما یشركون

[۱۰:۱۸] آنها در کنار خدا معبودانی را عبادت می کنند که قدرتی ندارند که به آنها نفع یا ضرری برسانند و می گویند: "اینان شفیعان ما نزد خدا هستند!" بگو: "آیا خدا را از چیزی باخبر می کنید که او در آسمان ها یا زمین نمی داند؟" تجلیل او را. او بلندمرتبه ترین است؛ بسیار بالاتر از آنکه به شریکی نیاز داشته باشد.

بعد از مرگ روح جسم را کناری می نهد و دیدش وسیعتر می شود! ۳۳

عده اي مي گویند که بعد از مرگ روح دیدش وسیعتر مي شود و بر همه چیز احاطه پیدا مي کند و پس از آن نتیجه مي گیرند که مي توان از مقدسين پس از مرگ طلب شفای بچه خواست!

ياران غار به مدت سیصد سال در خواب بودند ، اما زمانیکه بیدار شدند از اطراف خویش بي خبر بودند و حتي نمیدانستند که در کدام دوران زندگی مي کنند. در این مدت روح آنان که آزاد بود . اما میبینیم که از اطراف خویش خبر نداشتند (سوره كهف) . يا پیامبري به اسم عزیز صد سال مي میرد و بعد از صد سال زنده مي شود و از اطراف خویش بیخبر است (۲:۲۵۹) . در این مدت روح آنها کجا بوده است که از همه چیز بیخبر بوده اند. جواب این سوال مي تواند این مشکل را حل کند.

[۲:۲۵۹] او کالذي مر على قرية وهي خاوية على عروشها قال انى يحي هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام ثم بعثه قال كم لبثت قال **لبثت يوما او بعض يوم** قال بل لبثت مائة عام فانظر الى طعامك وشرابك لم يتسنه وانظر الى حمارك ولنجعلك اية للناس وانظر الى العظام كيف ننشزها ثم نكسوها لحما فلما تبين له قال اعلم ان الله على كل شيء قدير

[۲:۲۵۹] در نظر بگیرید آن شخصی را که از شهر متروکی مي گذشت و در شگفت بود که: "خدا چگونه مي تواند این را پس از مرگ دوباره زنده کند؟" سپس خدا او را به مدت صد سال در مرگ نهاد، پس از آن او را برانگیخت. گفت: "چه مدت در اینجا مانده ای؟" او گفت: "**من يك روز، يا قسمتی از روز در اینجا بوده ام.**" او گفت: "نه! تو صد سال در اینجا بوده ای. با این حال، به غذا و نوشیدنی خود نگاه کن که فاسد نشده است. به الاغ خود نگاه کن. ما بدین ترتیب تو را درسی برای مردم قرار می دهیم. اکنون، توجه کن که ما چطور استخوان ها را مي سازیم، سپس آن را با گوشت مي پوشانیم." هنگامی که او فهمید چه اتفاقی افتاده است، گفت: "حالا مي دانم که خداست قادر مطلق."

۳۴ اجنه به جاي مقدسين!

کسانی که شما دارید از آنها کمك مي خواهید در واقع پیامبر محمد و مقدسين دیگر نیستند ، بلکه اجنه هستند. شما بدون اینکه بدانید فریب جنها را خورده اید و دارید از آنها کمك مي خواهید.

[۳۴:۴۱] قالوا سبحنك انت ولينا من دونهم بل كانوا يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون

[۳۴:۴۱] آنها جواب خواهند داد: "تجلیل تو را. تو مولا و سرور ما هستی، نه آنها. در عوض، آنها جن ها را پرستش می کردند؛ اکثرشان به آن ایمان داشتند."

محمد و علي و حسين و ملائک در قیامت با کمال تعجب رو به شما کرده و می گویند که ای مردم آیا شما از ما طلب کمک می کردید؟ و می گویند که **ما هیچ خبر نداشتیم که شما ما را معبود خود قرار دادید.** حتی مقدسین خبر ندارند که شما آنها را واسطه قرار می دادید. آیه زیر را نگاه بفرمائید.

[۱۰:۲۸] ویوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين اشركوا مكانكم انتم وشركاؤكم فزينا بينهم وقال شركاؤهم **ما كنتم ايانا تعبدون**

[۱۰:۲۸] روزی که همه آنان را احضار کنیم، به کسانی که شرک ورزیدند، خواهیم گفت: "ما شما را همراه با کسانی که بت کرده بودید، احضار کرده ایم." و آنان را با یکدیگر روبرو خواهیم کرد، و کسانی که بت شده بودند به آنها خواهند گفت: **"ما هیچ خبر نداشتیم که شما ما را معبود خود قرار دادید."**

۳۵	آیا واقعا شما محمد و علي و حسين را الگوي خویش قرار داده اید؟
----	--------------------------------------------------------------

هیچکدام از مقدسین همچون محمد و علي و حسين از غیر خدا طلب کمک نکرده اند. همگی در طول عمر خویش فقط از خدا طلب کم می کرده اند و در دعاها و نیایشهای خویش فقط خدا را ذکر می کرده اند. شما اگر می خواهید که آنان را الگوي خویش قرار دهید، چرا این خصلت نیکوي آنان را مورد الگو قرار نمیدهید؟ چرا مثل آنان از فقط خدا طلب حاجت نمی کنید؟

۳۶	گفتار شرك آمیز در تمام زوایای زندگی مردم رخنه کرده است
----	--------------------------------------------------------

در یکی از درسهای دوره تحصیلی راهنمایی چیز عجیبی دیدم. نوشته بود که اگر ابراهیم زنده بود، اسماعیل را در منای امام هشتم قربانی می کرد. این تفکرات مریض ناشی از به حاشیه رانده شدن خداست. وقتی شب و روز مقدسین ذکر

شوند و براي آنها قرباني و نذر انجام پذيرد ، نتيجه اي بهتر از اين حاصل نمي شود. اين گفته دقيقا همان شرك است . مطمئن باشيد با شرك مو نمي زند.

افتد اگر گزار خليل اندر آن مقام
قربان کند دوباره پسر در منای توس

فدایی مازندرانی

صفحه ۲۲ ادبیات سال دوم راهنمایی سال ۸۸

۳۷ تك بودن خدا در صفات

خدای قادر متعال می فرماید که خدا به هر بنده ای نزدیک است (۲:۱۸۶). خدا از رگ گردن به ما نزدیک تر است. این یعنی خدا در این مورد تك است. اما با کمال هزاران تاسف بعضی از مسلمانان معتقدند که پیامبر و علی و سایر مقدسین آنها را می بینند و صدای آنها را می شنوند. در روز ممکن است که میلیونها نفر در سراسر جهان از این مقدسین طلب شفاعت و بخشش کنند. چطوری صدای همه را می شنوند؟ مگر فقط خدا نیست که از نیات درونی آدمها اطلاع دارد. مگر فقط خدا نیست که بر همه چیز احاطه دارد؟ مگر فقط خدا نیست که همه جا را می بیند و همه چیز را می شنود؟ مگر فقط خدا نیست که در آن واحد صدای همه (حتی نیات قلبی) را می شنود؟ و اسفا بر مسلمانان که این چنین خدا را فراموش کرده اند و صفات خدایی به مقدسین خویش می دهند؟!!!!

۳۸ مقدسین وقتی می میرند کجا می روند؟

بعضی افراد می گویند که پیامبر و مقدسین نمی میرند بلکه روح آنان به بهشت میرود و از آنجا افکار و اعمال ما را می بینند. واقعا باز هم تاسف باید خورد به این همه بهانه های بنی اسرائیلی. چقدر مایه تاسف است که خیلی از مردم به زور میخوانند وارد جهنم شوند و به زور میخوانند که مشرک باشند! مومنین درست است که در حین مرگ مستقیم به بهشت می روند و نزد خدا صاحب رزق و روزی می شوند. همانطور که در آیه ۱۶۹:۳ می بینید شهدا و مومنین در نزد خدا مشغول زندگی هستند. به کلمه "یرزقون" توجه کنید. این یعنی اینکه آنها در آن دنیا در بهشت دارای رزق و روزی هستند و مشغول استفاده از امکانات بهشتی هستند. پس می توان نتیجه گرفت که آنان اصلا کاری به این دنیای فانی ندارند تا ببینند که کی چکار می کند و کی چکار نمی کند. آنان در بهشت مشغول کار و زندگی خویش هستند. یونس/۵۵ (فی شغل فاکهون)

وا اسفا بر انسان که مدام میخواید از عبادت مستقیم خدا سرباز زند. چه سري در کار است که خیلی از مردم نمی خواهند خدا اصل کاری باشد و میخوایند مقدسین خویش را اصل دین خویش قرار دهند.

ایده های شیطانی :

همانطور که پیامبر مسیح مرده زنده می کرد ، همانطور هم مقدسین ما بچه ها را شفا می دهند. همانطور که جن خدمتکار سلیمان کار خارق العاده انجام میداد ، پس مقدسین ما هم کارهای خارق العاده انجام می دهند و به همین دلیل پیامبر و علی و حسین صدای ما را می شنوند و راز و نیازهای ما را به خدا می رسانند

جواب :

ایده بالا منبعی به جز شیطان ندارد. لعنت بر شیطان ملعون که این بلا را سر دین آورده است و خیلی از مردم را غرق در توهمات کرده است. خیلی از مردم فکر می کنند که پیامبر صدای آنها را می شنود و راز و نیازهای آنها را به خدا می رساند . آیا واقعا این توهم نیست ؟ آیا این چیزی جز حيله شياطين است؟ پیامبر مسیح به اذن خدا مرده زنده می کرد و این به عنوان معجزه يك پیامبر بود ، شنیدی معجزه يك پیامبر . معجزه ای که مختص مسیح بود. حتی پیامبران دیگر هم قادر به انجام چنین کاری نبودند. حتی پیامبر محمد هم نمی توانست چنین کاری انجام دهد ، چون این کار خارق العاده فقط مختص مسیح بود. در ضمن پیامبر مسیح همزمان فقط يك معجزه روی يك نفر می توانست انجام دهد. در حالی که شماها معتقدید که مقدسین شما همزمان صدا و راز و نیاز میلیونها نفر را می شنوند و آن را به خدا میرسانند و همزمان روزي میلیونها معجزه انجام می دهند. به جز خدا فرد دیگری قادر به انجام این کار نیست. چنین قدرتی را برای کسی قائل شدن ، شرك محض است.

جن خدمتکار سلیمان هم همزمان فقط يك تخت را منتقل می کرد و فقط يك تخت را منتقل کرد و برای همیشه تمام شد. حتی پیامبر سلیمان هم از عهده چنین کاری برنیامد و آن را برعهده يك جن گذاشت . قبلا هم گفته شد کسانی که شما دارید از آنها كمك میخواید در واقع پیامبر محمد و مقدسین دیگر نیستند ، بلکه اجنه هستند. شما بدون اینکه بدانید فریب جنها را خورده اید و دارید از آنها كمك می خواهید. اگر کارهایی مثل انتقال تخت و سایر اشیاء شما را وادار کرده که از غیر

خدا کمک بخواهید ، پس بدانید که مطمئنا فریب اجنه را خورده اید و دارید زندگیتونو نابود می کنید.

[۳۴:۴۱] قالوا سبحك انت ولينا من دونهم بل كانوا يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون

[۳۴:۴۱] آنها جواب خواهند داد: "تجلیل تو را. تو مولا و سرور ما هستی، نه آنها. در عوض، آنها جن ها را پرستش می کردند؛ اکثرشان به آن ایمان داشتند."

همانطور که می بینید کسی که بخواهد به زور وارد جهنم شود چکارش می شود کرد؟ آیا می خواهی به زور اونو نجات بدهی؟ آیا می خواهی به زور اونو راهنمایی کنی؟!

۴۰ سلام علی ابراهیم

بعضی ها فکر می کنند که هر وقت آیه "سلام علی ابراهیم" را می خوانند ، دارند به او سلام می کنند و پیامبر ابراهیم هم صدای آنها را می شنود و او هم جواب می دهد. در ادامه می گویند که اگر پیامبر ابراهیم صدای ما را نمی شنود پس چرا خدا این آیه را توی قرآن گذاشته است تا ما آن را بخوانیم !

جواب شبهه :

طی آیات فراوانی ثابت می شود که نباید صفات خدایی به مقدسین داد. صفات خدایی را به مقدسین دادن ، دقیقا یعنی شرک. آیا وقتی که شما آیه ۱:۶۶ را می خوانید به این معناست که شما دارید پیامبر محمد را مورد سرزنش قرار می دهید.

[66:1] يا ايها النبي لم تحرم ما احل الله لك تبتغي مرضات ازواجك و الله غفور رحيم

[66:1] ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا برای تو حلال کرده است حرام می کنی، فقط برای آنکه زنان خود را خوشنود سازی؟ خداست عفوکننده، مهربان*.

بر طبق این ایده در طول روز هزاران نفر این آیه را در سرتاسر جهان می خوانند و دارند پیامبر محمد را مورد سرزنش قرار می دهند و با حالت عصبانیت به پیامبر می گویند " ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا برای تو حلال کرده است حرام می کنی، فقط برای آنکه زنان خود را خوشنود سازی ؟ !! "

لیس کمثله شیء
هیچ کس مثل خدا نیست. صفات خدا زمین تا آسمان با صفات مخلوق متفاوت است. مثلاً یکی از صفات خدا رحیم است. در حالی که رحمت انسان هم هست. اما رحمت خدا کجا و رحمت مخلوق کجا. خیلی از مردم فکر می‌کنند که مقدسین آنها بعضی صفات خدایی در حد کمتر به آنها داده شده است. مثلاً می‌گویند که مقدسین آنها همین حالا صدای آنها را می‌شنوند و شاهد بر اعمال آنها هستند. صفت حاضر و ناظر بودن در همه جا یکی از صفات خدایی است. اما با کمال تأسف عده ای این صفت را برای مقدسین خویش در نظر گرفته اند. جالب اینجاست که همان مقدسین در زمان زنده بودن خویش، چنین صفتی نداشتند. اما همینکه فوت کردند، صاحب چنین صفتی شدند و به این طریق پیامبر محمد و علی و حسین مثل خدا (با چند درجه کمتر) همه جا حضور دارند و اعمال و کردار همه را می‌بینند و می‌شنوند و حتی نیات درونی تمام زائرین خویش را درک می‌کنند و آنها هم نیات و درخواستها را به خدا می‌رسانند. البته مدعیان چنین نظریه شرک آمیزی در ایده معتقدند که این مقدسین واسطه اند.

صفات خدا مطلق و غیر وابسته است. یعنی صفاتی مثل او وجود ندارد (الله صمد). مثلاً لامپ نور دارد، پس یکی از صفات لامپ نور است. یکی از صفات خدا هم نور است. پس می‌بینید که این دو صفت یک نام دارند. اما نور لامپ کجا و نور خدا کجا. آیا این انصاف است که صفات خدا را به مخلوق بدسیم؟ تمام مشکل تاریخ همین بوده است. یعنی همیشه مردم بعد از مرگ بزرگانشان، برای تسلی خاطر و بزرگداشت خاطره آنان، بعضی از صفات خدایی را به مقدسین خویش می‌دادند. مثلاً می‌گفتند که مقدسین ما همین حالا اینجا حضور دارند و صدای ما را می‌شنوند. بعد عده ای دیگر آمدند و چیزهای دیگری به آن اضافه کردند و گفتند که مقدسین نه تنها صدای ما، بلکه صدای تمام پیروانشان را می‌شنوند. بعد در نسل بعد عده ای دیگر آمدند و گفتند که مقدسین ما نه تنها صدای همه را می‌شنوند بلکه چون به خدا نزدیکند، پس از این به بعد درخواستهای خویش را به آنها می‌دهیم تا در بارگاه باریتعالی مطرح کنند. بعد نسل بعدی گفتند که مقدسین واسطه فیض الهی هستند و بعد نسل بعدی گفتند که مقدسین مثل خدا (با چند درجه کمتر) اعمال و نیات تمام پیروانشان را در اقصا نقاط جهان در می‌یابند و به خدا می‌رسانند. البته در واقع این صفت همان صفت خداست. بدون اینکه خود متوجه باشند، صفات مطلق خدا را به مقدسین خویش داده بودند. غافل از اینکه دقیقاً این مشکل تمام تاریخ بوده است. در واقع شرکی که در قرآن از آن صحبت می‌شود همین است. به همین خاطر خدای توانا در آیات متعددی اعلام می‌دارد که هیچکدام از مقدسین بعد از مرگ از این دنیای فانی اطلاع ندارند.

اما جالب این است که اراده خدای قهار بر آن واقع شده است که خیلی از مردم این آیات را نمی بینند. در واقع مثل این است که پرده ای بر قلب و چشم آنان کشیده شده باشد. ندیدن آیاتی که به وضوح می گویند که مقدسین بعد از مرگ از دعاهای مردم غافلند ، خلیفه! مثلاً می توانید آیه ۷:۱۹۴ را ببینید.

[7:194] معبودانی که در کنار خدا می خوانید، مخلوقاتى مانند شما هستند. بروید و آنها را صدا کنید؛ بگذارید به شما پاسخ دهند، اگر حق با شماست.

این آیه به وضوح می گوید که کسانی که شما میخوانید بندگانى مثل شما هستند (عباد امثالکم). "عباد امثالکم" توی عربی یعنی بندگانى مثل شما. مخلوقاتى مثل شما یعنی اینکه نمی شود آنان را خواند زیرا صفات لازمه شنیدن صداها و دعاها را ندارند. پیامبر محمد هم بشری مثل ما بود. پس او هم بنده ای مثل ما بود. یعنی خدا میخواهد بگوید که بندگانى که شما میخوانید و آنان را واسطه قرار داده اید ، دقیقاً بندگانى مثل خود شما بودند. این آیات به وضوح می گویند که مقدسین را نخوانید ، اما آنان این آیات را نمی بینند و می گویند که این آیات مربوط به مشرکین است نه ما! ندیدن آیات نشانه خوبی نیست بلکه خبر از يك حادثه هولناك دارد. حادثه ای که در آن برگشتی وجود ندارد. دیگر راه فراری نخواهد بود. ندیدن آیات واضح دست خود آدمی نیست. تیره شدن ابر نشانه رعد و برق است. ندیدن آیات واضح در قرآن نشان از نزدیک شدن عذاب است. براحتی می توان نزدیک شدن عذاب را احساس کرد.

لازمه اینکه کسی شفاعت فرد دیگری را نزد خدا بکند ، این است که شفاعت کننده آن فرد را بشناسد. فقط خدا از دل آدمی خبر دارد. پیامبر نوح برای نجات پسرش از خدا کمک میخواهد(۶:۱۱). اما خدا صراحتاً به نوح می گوید که ای نوح تو نباید برای پسرت دعا کنی زیرا او از اهل تو نیست، زیرا او مشرک است. پس همانطور که می بینیم هیچ کس حق ندارد که برای مشرک و کافر حتی از خدا طلب کمک کنید. پیامبر ابراهیم از اینکه برای پدرش طلب استغفار کرده بود ، پشیمان بود(۹:۱۱۴). اما ابراهیم هم يك انسان بود مثل سایر انسانها ، در تشخیص اشتباه کرد. زیرا او از نیات درونی پدرش آگاه نبود. پیامبر محمد حق ندارد که برای مشرکین و منافقین حتی نماز میت بخواند(۸۰:۹). حتی نباید سر قبر منافقین و مشرکین بایستد. زیرا محمد هم يك انسان بود او هم ممکن بود در

تشخیص خوب و بد بودن افراد دچار اشتباه شود. زیرا مقدسین اصلا نمی دانند که در دل افراد چي می گذرد و حتي حق ندارند که برای مشرکین دعا کنند. به همین خاطر است که فقط خدا از نیات درونی آدمی اطلاع دارد و فقط اوست که می تواند صداهای درونی آدمی را در یابد و دقیقا به همین دلیل است که باید فقط او را بخوانیم در دعاهای خویش.

پیامبر محمد حتی از مردم زمان خویش هم کامل خبر نداشت

آیه هست که می گوید که ای پیامبر تعداد زیادی منافقین وجود دارند که تو آنها را نمی شناسی. اما خدا آنها را می شناسد. پس پیامبر تا زمانی که زنده بود حتی نمی دانست که چه در دل افراد می گذرد. اما با کمال تأسف خیلی از مردم معتقدند که پیامبر بعد از مرگ صدا و حتي نیات درونی آدمیان را درک می کند.

[۹:۱۰۱] **وممن حولکم من الاعراب منفقون ومن اهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم** سنعتبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم

[۹:۱۰۱] در میان اعراب اطراف شما افرادی منافقان هستند. و نیز در میان اهالی شهر، کسانی هستند که به ریاکاری عادت کرده اند. **تو آنها را نمی شناسی**، ولی ما آنها را می شناسیم. ما مجازات را برایشان دو چندان خواهیم کرد، سپس آنها به عذابی هولناک دچار خواهند شد.

ملائک باران

درست است که خدا خیلی از کارها را با واسطه و با وسیله انجام می دهد. اما باید توجه کنید که واسطه در حد و اندازه وظیفه خویش می تواند کار انجام دهد. مثلا خدا بوسیله ملائکه باران می باراند. اگر در منطقه شما خشکی و بی آبی بوجود آمده باشد. آیا برای بارش باران خدا را میخوانید یا ملائکه مسئول باران را ؟ جواب این سوال تکلیف خیلی چیزها را مشخص می کند.

جواب : مطمئنا از خدا کمک میخواهید و طلب باران میکنید. پس اینکه خدا بعضی کارها را بوسیله "واسطه" انجام می دهد ، دلیل نمی شود که شما به جای خدا از آن واسطه کمک بخواهید. درست است که ملائک مسئول بارانند ولی شما برای طلب باران باز هم از خدا کمک میخواهید.

کسانی که شما در کنار خدا میخوانید از دعاهای شما غافلند. براساس آیه زیر:

[46:5] ومن اضل ممن يدعو من دون الله من لا يستجيب له الي يوم القيامة **وهم عن دعائهم غافلون**

کیست گمراه تر از آنان که معبودانی را در کنار خدا می خوانند که آنها تا روز رستاخیز نتوانند پاسخشان دهند، و آنان از عبادات آنها به کلی بی خبرند؟

اگر شما به جاي خدا از آنان کمک بخواهید ، آنها در روز قیامت دشمن شما خواهند شد. اگر باور ندارید آیه زیر را نگاه کنید.

[46:6] واذا حشر الناس كانوا لهم اعداء و كانوا بعبادتهم كافرين و هنگامی که مردم (در روز قضاوت) احضار شوند، معبودانشان دشمنانشان خواهند شد و شرك آنها را علناً محکوم خواهند کرد*.

با کمال تاسف خیلی از مردم گول استفاده از ضمایر جمع در قرآن را خورده اند و مثلاً می گویند که چرا خدا در آیه ای از قرآن از **یدعوننا** به جاي **یدعونني** استفاده کرده است؟ و چرا خدا ضمیر جمع استفاده کرده است؟

[٢١:٩٠] فاستجبنا له ووهبنا له يحيى واصلحنا له زوجة انهم كانوا يسرعون في الخيرت ویدعوننا رغبا ورهبا و كانوا لنا خشعين

[٢١:٩٠] ما* به او پاسخ دادیم و يحيى را به او عطا نمودیم؛ ما زنش را برای او درمان کردیم، زیرا آنها در کار نیک می شتافتند و در شادي و بیم ما را می خواندند. از دید ما، آنها از حرمتگزاران بودند.

و پس از آن نتیجه میگیرند که می توان برای شفای بچه شان از پیامبر و مقدسینشان کمک بخواهند. پشت ماشینها مینویسند "بیمه ابوالفضل". این ایده واقعا شیطانی است. استفاده خدا از ضمایر جمع هیچوقت نمی تواند وحدانیت خدا در عبادت و نیایش را برهم زند. در خیلی از موارد در قرآن خدای توانا از ضمیر جمع برای خودش استفاده برده است زیرا در آن موارد ملانك (نیروهای خدا در

جهان) هم حضور داشته اند و شاهد بوده اند . مثلا براي نزول قرآن از "انا نحن نزلنا" استفاده کرده است و به این ترتیب ضمیر جمع را بکار برده است. زیرا در نزول قرآن از ملك وحي يعني جبرئيل استفاده شده است. ما از نظام خدا خبر نداریم و نمی دانیم که چطوري انجام می شود ، ما فقط به همان اندازه که در قرآن ذکر شده است مطلعیم. ما موظفیم که عبادت و نیایشهاي خویش را به فقط خدا اختصاص دهیم. مثلا همان آیه بالایی نمی تواند ثابت کند که غیر خدا را هم می توان خواند. اتفاقا آیه در مورد زکریا صحبت می کند. اما واقعا چرا زکریا را با یدعوننا بکار برده است؟ چرا از یدعونني استفاده نکرده است؟ آیا نعوذ بالله زکریا از کس دیگری به جز خدا کمک خواسته است. مطمئنا نه! زیرا دعای زکریا در يك جای دیگر در قرآن هم ذکر شده است. اما در اینجا می بینیم که زکریا دارد از فقط خدای توانا درخواست می کند.

[21:89] وزکریا اذ نادى ربه رب لا تدرنى فردا وانت خير الوارثين

[21:89] و زکریا به درگاه پروردگار خود دعا کرد: "پروردگارا، مرا بدون وارث مگذار، گرچه خود بهترین وارثی".

پس به هیچ وجه نمی توان از ضمایر جمع نتیجه گرفت که می توان عیر خدا را هم در تنگنهای زندگی به کمک خواند. مطمئنا جریان چیز دیگری است. برای درك بیشتر از يك مثال دیگر بهره میگیریم. خدای توانا از ابراهیم و محمد و سایر پیامبران به عنوان **عبدنا و عبادنا** یاد میکند. سوال اینجاست که چرا خدا می فرماید **عبدنا** نمیگوید **عبدی**؟ آیا پیامبر ابراهیم و یا محمد عبد غیر خدا هم هستند که خدا ضمیر "نا" را به جای "ی" به کار میبرد؟ مطمئنا نه! آنان فقط عبد خدا هستند و بودند و لاغیر.

عبادت فقط مخصوص خداست. اما چرا خدا آنان را با واژه **عبدنا** ذکر میکند؟ مگر ابراهیم و محمد عبد کسی دیگر هم هستند؟ اگر هستند، کیست؟ واقعیت این است که ابراهیم و محمد هیچوقت عبد غیر خدا نبوده و نیستند. پس می توان نتیجه گرفت که ضمایر جمع همیشه دلالت بر غیر خدا نمی کنند.

مثالی دیگر شاید بیشتر راهگشا باشد. در آیه ۸۰:۱۸ **خضر** صحبت می کند و برای خود ضمیر جمع بکار میبرد و می گوید **فخشینا**. **خشینا** یعنی ترسیدیم. اما چرا **خضر** **خشینا** را بکار برده است؟ مگر **خضر** بیش از **يك** نفر است؟ مطمئنا نمی توان گفت که منظور، اینجا خدا و **خضر** است. زیرا **خضر** دارد این فعل را بکار میبرد و از طرفی دیگر مگر خدا نعوذ بالله میترسد. **خضر** از کجا خبر دارد که خدا معاذ الله هم ترسیده است مگر **خضر** از نیات درونی خدا باخبر است؟! پس واقعا **خشینا** نمی تواند بر خدا و **خضر** دلالت کند. حتما جریان چیز دیگریه.

[۱۸:۸۰] واما الغلم فكان ابواه مؤمنين **فخشينا** ان يرهقهما طغيانا وكفرا
[۱۸:۸۰] "و اما درباره آن پسر، پدر و مادرش مؤمنان خوبی بودند و ما دیدیم
که او با سرکشی و کفرش آنها را به ستوه می آورد.

مثال دیگری در راهنمایی راهگشا خواهد بود. خدای مهربان دو آیه زیر را یکبار
با ضمیر مفرد و یکبار دیگر با ضمیر جمع بکار می برد.

[۳۶:۸۲] **انما امره** اذا اراد شيء ان يقول له كن فيكون

[۱۶:۴۰] **انما قولنا** لشيء اذا اردنه ان نقول له كن فيكون

در آیه ۳۶:۸۲ با ضمیر مفرد استفاده شده است و در ۱۶:۴۰ از ضمیر جمع
استفاده شده است. تنها فرق دو آیه این است که در آیه اولی از **امر** استفاده شده
است و در آیه دومی از **قول** استفاده شده است.

مثلا ملك وحي ، **امر** خدا را به پیامبر **گفت**.
ملائك مرگ **امر** خدا را به متوفیان **گفتند**.
ملائك باران **امر** خدا در مورد بارش باران را به ابرها **گفتند**.

با گفتن ملائك ، خودبخود امر خدا اجرا می شود. اما این "گفتن" با گفتن ما فرق
می کند و نمی توان لغت بهتر از این برایش انتخاب کرد. زیرا ما انسانها تا این
حد می توانیم این مورد را درک کنیم. پس به همین خاطر است که در آیه دوم از
ضمیر جمع استفاده شده است. زیرا در آیه دوم فرشتگان هم ناظر و شاهد هستند.
اما در مورد امر فقط خدا مطرح است. یعنی فرشتگان حتی کن فیکون نمی کنند
بلکه فقط خداست که به کارهای "کن فیکون" امر می کند. فرشتگان فقط آن امر
را می گویند.

اگر در منطقه شما خشکی و بی آبی بوجود آمده باشد. آیا برای بارش باران خدا
را می خوانید یا ملائکه مسئول باران را؟ امر کننده را می خوانید یا کسی که قول
و گفته خدا را می رساند؟ یعنی تا امر خدا نباشد ، قولي وجود نخواهد داشت. پس
دقیقا همه چیز به خدا برمی گردد.

در مورد ابراهیم ، سه ملائکه پیش او می آیند و امر خدا را مبني بر عذاب قوم
لوط به او می گویند. اینجا ابراهیم با ملائك صحبت می کند. و از آنان سوال و
جواب می خواهد. نه اینکه ملائکه اصل کاری باشند. ملائکه هم مامور بودند. اما

مهمتر از همه این است که ملائکه مامور خدایند و ابراهیم نمی تواند که بگوید که شما بروید تا خود خدا بیاید. زیرا ملائکه فرستاده های خدایند به سوی ابراهیم.

بباید یکبار دیگر آیه اولیه مورد بحث را نگاه کنیم.

[۲۱:۹۰] فاستجبنا له ووهبنا له يحيى واصلحنا له زوجة انهم كانوا يسرعون في الخيرت ويدعوننا رغبا ورهبا وكانوا لنا خشعين

[۲۱:۹۰] ما* به او پاسخ دادیم و یحیی را به او عطا نمودیم؛ ما زنش را برای او درمان کردیم، زیرا آنها در کار نیک می شتافتند و در شادی و بیم ما را می خواندند. از دید ما، آنها از حرمتگزاران بودند.

آیه در مورد زکریا صحبت می کند و بعد فعل جمع را بکار میبرد (یدعوننا) . جریان را بهتر است از خود قرآن بخوانیم .

[۳:۳۹] فنادته الملكة وهو قائم يصلي في المحراب ان الله يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة من الله وسيدا وحورا ونبيا من الصالحين

[۳:۳۹] هنگامی که در محراب به دعا مشغول بود، فرشتگان او را ندا دادند: "خدا تو را به یحیی مژده می دهد؛ مؤمنی به کلمه خدا، محترم، سرشار از معنویت و پیامبری صالح."

همانطور که می بینید زکریا از فقط خدا می خواهد (براساس آیه 21:89 و زکریا **اذ نادی ربه**) و خدا هم در پاسخش ملائکه را پیش او میفرستد. ملائکه هم مژده تولد یحیی را به او می دهند. زکریا ملائکه را می بیند و با این حال در آیه بعدی باز هم می گوید:

[۳:۴۰] قال رب انى يكون لى علم وقد بلغنى الكبر وامراتى عاقر قال كذلك الله يفعل ما يشاء

[۳:۴۰] او گفت: "چگونه می توانم پسری داشته باشم، هنگامی که کاملا پیر هستم و زنم عقیم است؟" گفت: "خدا هرچه خواهد می کند."

همانطور که میبینید زکریا با دیدن ملائکه ، و با توجه به اینکه ملائکه این خبر را برای او آورده اند ولی او درخواست بعدی خودش را باز هم از خدا می کند نه از ملائکه که جلوش ایستاده اند. خدا هم جوابش را با قال می دهد. یعنی سوم شخص. مشخص است که جواب خدا را ملائکه به زکریا گفته اند . پس همانطور که می

بینید زکریا و هیچکدام از پیامبران از غیر خدا طلب کمک نکرده اند. و هیچوقت ضمایر جمع نمی تواند کارهای شرک آمیز را توجیه کند.

۸ ۴ وسیله و واسطه ها برای چی آفریده شده اند؟

دیشب داشتم قرآن میخواندم و در مورد ضمایر جمع و ملائک در قرآن تحقیق می کردم . من صد بار قرآن را اول تا آخر خوانده ام اما شاید تعجب کنید که بعضی از نکات را دیشب برای اولین بار می دیدم . قرآن کتابی است که آدم هرچی آن را بیشتر می خواند ، بیشتر به عمق مطالب آن پی می برد. خدای مهربان را سپاسگذارم که اینچنین کتاب عمیقی برای راهنمایی ما فرستاده است. دیشب متوجه شدم که تمام بحثهایی که در این تاپیک مطرح می شود ، قبلا در زمان پیامبر بحث شده است. حتی مشرکین تعدادی مجسمه های خانه کعبه را به ملائک منتسب کرده بودند. طی آن آیات برایم مشخص شد که مشرکین زمان پیامبر دقیقا در مورد وسیله و واسطه بحثهای زیادی کرده اند.

[۳:۸۰] **ولا یامرکم ان تتخذوا الملائکة والنبین اربابا ایامرکم بالکفر بعد از انتم مسلمون**

[۳:۸۰] **و هرگز به شما امر نمی کند که فرشتگان و پیامبران را ارباب خود قرار دهید. آیا او پس از آنکه تسلیم شدید، شما را به کفر تشویق می کند؟**

مشرکین زمان پیامبر الله را قبول داشتند و حتی معتقد بودند که خدا آسمانها و زمین را آفریده است . مشرکین در آن زمان ملائک را واسطه بخشش و اجابت دعاها قرار میدادند. حتی خدای مهربان در روز قیامت به فرشتگان خواهد گفت :
"آیا این مردم شما را می پرستیدند؟"
فرشتگان در جواب خواهند گفت: نه خیر خدای مهربان ، آنها جنها را پرستش می کردند و اکثرشان به آن ایمان داشتند. آیات را ملاحظه کنید:

[۳۴:۴۰] **ویوم یحشرهم جمیعا ثم یقول للملائکة اهؤلاء ایاکم کانوا یعبدون**
[۳۴:۴۰] **در روزی که او همه آنها را احضار کند، به فرشتگان خواهد گفت:**
"آیا این مردم شما را می پرستیدند؟"

[۳۴:۴۱] **قالوا سبحنک انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم بهم مؤمنون**

[۳۴:۴۱] **آنها جواب خواهند داد: "تجلیل تو را. تو مولا و سرور ما هستی، نه آنها. در عوض، آنها جن ها را پرستش می کردند؛ اکثرشان به آن ایمان داشتند."**

كلادر آسمان طبقه يك (تبعيد گاه) ، دو نوع نیرو وجود دارد . نیروهاي خدا و نیروهاي شيطاني. اجنه كافر و مشرك نیروهاي شيطاني هستند و ملائك نیروهاي خدا هستند. نیروهاي خدا به موجوديت انسان خدمت مي كنند. زيرا خدای توانا از همان ابتدای خلقت بني آدم ، از ملائك خواست كه به آدم خدمت كنند (طبق ۲:۳۰ سجده كردن به معنای خدمت كردن و كمك كردن است) . نیروهاي شيطاني از اين امر خدا سرباز زدند و مخالفت كردند. ملائك خدمت‌هاي مختلفي به بني آدم مي كنند . خدمت‌هاي عمومي همچون بارش باران و نزول وحی و خدمت‌هاي خاص مثل ياري مومنين. اما نیروهاي شيطاني تصميم گرفتند كه به بني آدم خدمت نكنند و به همين خاطر مورد غضب خدا قرار گرفتند و خدا آنان را از رحمت خویش محروم كرد. شيطان از خدا فرصت خواست تا روز قيامت به روش خویش به بني آدم خدمت كند (در اصل خيانت كند) ، خدا هم طبق آزمائشي كه طراحی کرده بود ، اين فرصت را به نیروهاي شيطاني داد. نیروهاي شيطاني و نیروهاي خدا دیده نمي شوند. اما واقعا وجود دارند. اجنه شب و روز مشغول وسوسه و انحراف ما هستند و ملائك هم در بارش باران و امورات ديگر به ما كمك مي كنند و حتي بعضي ملائك خاصتا مومنين را ياري مي دهند(۸:۹).

[۸:۹] هنگامي كه براي نجات خود به پروردگارتان التماس مي كرديد، او به شما جواب داد: "من با هزار ملك كه از پي يكديگر مي آيند، شما را حمايت مي كنم."

خدای مهربان در خیلی از جاها در قرآن از ضمائر جمع براي خود استفاده مي كند و اين نشان مي دهد كه در آن جاها ملائك دخالت داده شده اند. مثلا براي وحی از ضمير جمع (انا نحن نزلنا) استفاده مي شود زيرا در نزول قرآن ملائكه وحی هم دخالت داشته است. ملك ها و يا ملائك ها به شكل آدم نيستند ، بلكه از نور ساخته شده اند. جنها از آتش ساخته شده اند. نور روشنايي مي دهد ، اما آتش ميسوزاند. خدای قادر متعال اين دو نیروي غيبي را در طبيعت گذاشته است براي آزمائش جنها و انسانها.

بعضي از مردم فكر مي كنند كه ملائكه مرگ يك نفر است. اما در واقع ملك مامور مرگ ميلياردها نفرند(۷:۳۷) . خدای مهربان هيچ موجودي را تك نمي آفريند بلكه از هر نوعي ميلياردها مي آفريند. ملائك مامور باران يك نفر نيست بلكه تعدادشان خیلی زياد است. تعداد ملائك از هر نوعي آنقدر زياد است كه حتي خودشان تعداد خویش را نمي دانند. اين رحمت خداست. خدا رحمت و لطفش شامل خیلی ها مي شود زيرا خدا دوست دارد كه خیلی ها از رحمت و نعمتش استفاده كنند. خدای قادر توانا ارحم الراحمين است. خدا با زور مي خواهد كه انسان را به راه راست راهنمايي كند و از دست شياطين نجات دهد ؛ اما وقتي خود انسان نميخواهد ، چكار ميشود كرد!!!

ابتدا يك سوال از شما مي پرسم كه در آخر مطلب جواب را مي بينيد؟ فقط روي آن فكر كنيد.

اگر در منطقه شما خشکی و بی آبی بوجود آمده باشد. آیا برای بارش باران خدا را می خوانید یا ملائکه مسنول باران را ؟ امر کننده را می خوانید یا وسیله را ؟

در مورد ابراهيم ، سه ملك پيش او مي آیند و امر خدا را مبني بر عذاب قوم لوط به او مي گویند. اينجا ابراهيم با ملك ها صحبت مي كند. و از آنان سوال و جواب ميخواهد. ملك ها مامور خدايند و ابراهيم نمي توانست كه بگويد كه شما برويد تا خود خدا بيايد. زيرا ملك ها فرستاده هاي خدايند به سوي ابراهيم. ابراهيم با چشمان خویش ملك ها را مي بيند و ملك ها فرستاده پروردگار بودند. داستان آن در سوره حجر آیات ۵۲ تا ۷۴ ذکر شده است. حتي ابراهيم از ملك ها سوال مي كند كه پس لوط چي مي شود؟ ملك ها پاسخ مي دهند كه لوط و خاندان لوط (كساني كه به لوط ايمان آورده اند نه خاندان نسبي) نجات خواهند يافت. در اينجا اين شبهه آورده شده است كه خدا چرا از وسايل استفاده کرده است ، با توجه به اينكه عذاب دست خداست. و چرا ابراهيم از ملائكه به جاي خدا براي نجات لوط ميپرسد و چرا نجات لوط را از ملائكه مي خواهد چرا از خود خدا نمي خواهد؟ جواب خيلي ساده است. ابراهيم ملائكه را مي بيند و ايمان دارد كه آنها رسولاني از طرف پروردگارند. به همين خاطر به آنها اطمینان پيدا مي كند و مطمئن است كه رسولان پروردگار دروغ نمي گویند و غير از وظيفه خویش كار ديگري انجام نمي دهند و از وظيفه خویش سوء استفاده نمي كنند. به همين خاطر از آنها به جاي خدا سوال مي كند و از آنها مي خواهد كه لوط و ساير مومنين را نجات دهند.

داستان ديگر مربوط به زكريا است (۲۱:۸۹ و ۲۱:۹۰ و ۳:۲۹ و ۳:۴۰). زكريا در نماز خویش از **خدا** درخواست بچه مي كند. خدا طبق مصلحت خویش ملائكه پيش زكريا مي فرستد. زكريا در محراب ايستاده است و ملك ها را مي بيند. ملائكه مژده يحيي را به او مي دهند. زكريا دارد با چشمان خویش فرستاده پروردگار را مي بيند و اين پيام از طريق يك ملك به او رسیده است. زكريا از گفته ملك خيلي خوشحال مي شود و برايش يك سوال پيش مي آيد و از ملك مي پرسد كه مگر مي شود من بچه دار شوم ، در حالي كه زن من سن وسالي ازش گذشته است. ملائكه جواب مي دهند كه بله مي شود. وقتي خدا بخواهد مي شود. ملائكه مي گویند اي زكريا چطور تعجب مي كنيد در حالي كه خدا قادر به هر كاري هست. همانطور كه مي بينيد زكريا از ملائكه سوال و جواب مي پرسد و ممكن است كه شبهه اي پيش آيد و آن اين است كه چرا زكريا مثل اول دعا از فقط خدا بقيه سوالات و خواسته هایش را نخواست و نپرسيد. جواب اين سوال خيلي ساده و طبيعي است زيرا او ملائكه را با چشمان خویش مي بيند و مطمئن است كه ملائكه از طرف پروردگارند و مطمئن است كه ملائكه از دستور خدا تمرد نمي كنند.

همچنین در قرآن ذکر شده است که ای محمد تو هنگامی که پرتاب کردی، این تو نبود که پرتاب کردی؛ خداست که پرتاب کرد.

[۸:۱۷] فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا ان الله سميع عليم
[۸:۱۷] این شما نبودید که آنها را کشتید؛ خداست که آنها را کشت. هنگامی که پرتاب کردی، این تو نبود که پرتاب کردی؛ خداست که پرتاب کرد. اما او این چنین به مؤمنان فرصت می دهد تا امتیاز بسیاری کسب کنند. خداست شنوا، دانای مطلق.

آیا خدا پرتاب کرد یا محمد؟ پس چرا خدا آن را به خود نسبت داده است؟ خدای مهربان ملائک را به کمک انسانهای پاک می فرستد. زیرا نیروهای شیطانی خیلی زیادند و به همین خاطر خدای توانا مخلصین را یاری خواهد داد. تیری که پیامبر محمد پرتاب می کرد به اراده خدا بوسیله ملائک بهبود پیدا می کرد و به هدف میخورد و این لطفی بود از جانب پروردگار.

فکر کنم برای تفهیم مطلب همین چند مثال کافی است. حالا به سوال اولی جواب داده می شود.

اگر در منطقه شما خشکی و بی آبی بوجود آمده باشد. آیا برای بارش باران خدا را می خوانید یا ملائکه مسئول باران را؟ امر کننده را می خوانید یا وسیله را؟

صددرصد بارش باران را از خدا می خواهیم. اما يك حالت دیگر هم هست که شما به آن توجه نکرده اید و آن هم این است که اگر ملائک مخصوص باران از طرف خدا پیش شما بیایند و شما آن را ببینید و به شما بگویند که ای بنده خدا، باران میخواید یا نه؟ آتموقع تو به او خواهید گفت که بله می خواهیم. تو اینبار با ملائک صحبت کردی و او را خطاب قرار دادی.

اما همین ملائک نمی توانند بچه شما را شفا دهند زیرا در این مورد وسیله نیستند.

خدای مهربان رسول میفرستد که تا ما را راهنمایی کند. مثلاً پیامبر محمد پیش شما می آید با دلیل و مدرک و معجزه. از شما می خواهد که راه راست را طی کنید و به طرف خدا می خواند. او فرستاده خداست، در این حالت شما باید از او اطاعت کنید زیرا اطاعت از او مثل اطاعت از خداست. به همین خاطر است که خدا می فرماید:

[٤:٨٠] من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلنك عليهم حفيظا
[٤:٨٠] هر کس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است. و اما کسانی
که روی بگردانند، ما تو را به عنوان محافظ آنها نفرستادیم.

اما نکته خیلی مهم دیگری هست که کمتر کسی به آن توجه می کند و آن هم این است که علاوه بر نیروهای خدا، نیروهای شیطان هم هستند. همان پیامبر ابراهیم، با ملائک زمانی صحبت کرد که آنها را دید و توانست صدای آنها را بشنود. و هیچوقت پیامبر ابراهیم **غیابی** از ملائک سوال و جواب نخواست و نپرسید. زیرا در آسمان طبقه اول علاوه بر ملائک، نیروهای شیطانی هم وجود دارند. فقط خداست که بر همه چیز احاطه دارد و هیچ کس دیگری مثل او نیست. همچنین خدا ملائک را بر پیامبران ظاهر می کند زیرا ایمان آنان قوی است. اما مردم عادی موفق به این نمی شوند زیرا ممکن است که اجنه خود را جای ملائک جا بزنند و مردم را گمراه کنند. مشرکین زمان پیامبر از ملائک مجسمه ساخته بودند و حتی از آنها کمک می خواستند و حتی خدای مهربان در روز قیامت به فرشتگان خواهد گفت: "آیا این مردم شما را میپرستیدند؟"

فرشتگان در جواب خواهند گفت: نه خیر خدای مهربان، آنها **جنها** را پرستش می کردند و اکثرشان به آن ایمان داشتند. آیات را ملاحظه کنید:

[٣٤:٤٠] ویوم یحشرهم جمیعا ثم یقول للملئکة اهلوا ینزلون
[٣٤:٤٠] در روزی که او همه آنها را احضار کند، به فرشتگان خواهد گفت:
"آیا این مردم شما را می پرستیدند؟"

[٣٤:٤١] قالوا سبحنک انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم بهم مؤمنون

[٣٤:٤١] آنها جواب خواهند داد: "تجلیل تو را. تو مولا و سرور ما هستی، نه آنها. در عوض، آنها جن ها را پرستش می کردند؛ اکثرشان به آن ایمان داشتند."

دقیقا به همین خاطر است که ما نباید از **مدعو غیبی** به جز خدا کمک بخواهیم و نباید از مدعو غیبی غیر از خدا سوال و جواب خواست زیرا ملائک بر همه چیز احاطه ندارند و فقط خداست که بر همه چیز احاطه دارد. مگر اینکه خدا اختصاصا پیش ما ملائکه بفرستد برای کار خاصی مثل ابراهیم و زکریا. پیامبر محمد تا زمانی که زنده بود، می توانستیم پیشش برویم و از او سوال و جواب بپرسیم. اما همینکه مرد دیگر از ما بی اطلاع است و جنها دست بکار می شوند و مردم را به چاه گمراهی میکشاند.

٤٩ حتی زمانیکه با خدا روبرو می شوند، باز هم متوجه نمی شوند!

حتی زمانیکه با خدا روبرو می شوند ، باز هم متوجه نمی شوند. بعضی ها هیچوقت توفیق پیدا نمی کنند به راه راست برگردند و آنقدر به راه خویش معتقدند که حتی در مقابل خدا هم متوجه نمی شوند.

[۶:۲۲] روزی که همه آنان را احضار کنیم، از مشرکان خواهیم پرسید: "کجا هستند شریکانی که قرار می دادید؟"

[۶:۲۳] پاسخ مصیبت بارشان چنین خواهد بود: "به خدایی که پروردگار ماست، ما هرگز مشرک نبودیم."*

۵۰ مجسمه ها فقط يك تکه سنگ نبودند بلکه يك الهه بودند

اعراب جاهلیت به آن مجسمه ها الهه می گفتند. یعنی آن مجسمه ها فقط سنگ نبودند بلکه اعراب شخصیت‌های پشت مجسمه را در نظر داشتند و حتی آن مجسمه ها را با **مسیح** مقایسه میکردند. مطمئناً مجسمه با مسیح قابل مقایسه نیست. بلکه شخصیت‌های صالح و خوب پشت مجسمه مد نظر آنها بود.

[۴۳:۵۸] وقالوا **ءالھتنا خیر ام هو** ما ضربوه لك الا جدلا بل هم قوم خصمون

[۴۳:۵۸] آنها گفتند: "آیا بهتر است خدایان خود را پرستش کنیم یا او (**مسیح**) را پرستیم؟" آنها این را گفتند که فقط با تو مجادله کنند. در واقع، آنها مردمی هستند که به مخالفان پیوسته اند.

۵۱ نمی توان مرده را خواند

زمانی که موسی به مدت چهل روز به کوه طور رفت ، خیلی از بنی اسرائیل گوساله پرست شدند و مشکلات زیادی بوجود آمد ، هارون به آنها گفت که از اینکارتون دست بردارید ، اما بنی اسرائیل میگفتند که نه ما به این کارمون ادامه می دهیم تا وقتی که موسی برگردد .

[۲۰:۹۱] قالوا لن نبرح علیه عکفین حتی **یرجع** الینا موسی

[۲۰:۹۱] آنها گفتند: "ما به پرستش آن ادامه خواهیم داد، تا اینکه موسی بازگردد."

آنها به طور غیابی نتوانستند که از موسی راهنمایی بخواهند. پس بنی اسرائیل تا وقتی می توانستند از موسی درخواست کنند که موسی در حضور آنها باشد. وقتی موسی مرد دیگر نمی توان از او درخواست کرد زیرا اصولاً از این دنیا خبر ندارد و از اعمال مردمش بیخبر است. به همین جهت خدای مهربان در قرآن می فرماید که :

[46:5] ومن اضل ممن يدعو من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيامة وهم عن دعائهم غافلون

کیست گمراه تر از آنان که معبودانی را در کنار خدا می خوانند که آنها تا روز رستاخیز نتوانند پاسخشان دهند، و آنان از عبادات آنها به کلی بی خبرند؟

۵۲ آیا در زمان پیامبر کسی پیامبر را در مشکلات خوانده است؟

حال کسانی که غیر خدا را می خوانند باید جواب دهند که چرا در آن موقع که خود پیامبر زنده بود و پیش اصحاب بود پس چرا به پیامبر توسل نکردند و از او به جای خدا کمک نخواستند!!

[۸:۹] اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من الملكة مردفين
[۸:۹] هنگامی که برای نجات خود به پروردگارتان التماس می کردید، او به شما جواب داد: "من با هزار ملك که از پی یکدیگر می آیند، شما را حمایت می کنم."

۵۳ مساجد

عده ای می گویند که چرا در زمان یاران غار ، يك مسجد بر آنان بنا شد؟ پس از آن نتیجه می گیرند که پس طلب کمک از مقدسین صحیح است. واقعا چنین نتیجه گیری عجیب است. درست کردن مسجد چه ربطی به طلب کمک از غیر خدا دارد. مسجد مادامی ضرار است که غیر خدا در آن خوانده شود و اصلاً ربطی به مقبره ندارد. مقبره به خودی خود چیز بدی نیست. مثلاً در زمان پیامبر مجسمه را پرستش می کردند. اما حالا خیلی از مردم توی خانه های خویش مجسمه و عروسک هایی دارند. مجسمه ، مقبره به خودی خود که مضر و ضرار نیستند. بلکه طریقه استفاده از آنها تعیین کننده است. گاهی مواقع رفتن به قبرستان آدم را یاد مرگ می اندازد و این خود برای عربت گرفتن چیز خوبی است. اما با این شرط که به شخصیتهای پشت قبرها صفات خدایی داده نشود.

[۱۸:۲۱] وكذلك اعثرنا عليهم ليعلموا ان وعد الله حق وان الساعة لا ريب فيها
اذ يتنزعون بينهم امرهم فقالوا ابنوا عليهم بنينا ربهم اعلم بهم قال الذين غلبوا
على امرهم لنتخذن عليهم مسجدا
[۱۸:۲۱] ما باعث شديد كه آنها كشف شوند، تا به همه بفهمانيم كه وعده خدا
حقيقت است و تا هرگونه شكي را درباره آخر دنيا از بين ببريم. * سپس مردم در
ميان خودشان درباره آنها به نزاع پرداختند. بعضي گفتند: "بيايم اطراف آنها
بنائي بسازيم." پروردگارشان به حال آنها دانتر است. كساني كه غالب آمدند،
گفتند: "ما اطراف آنها محلي براي عبادت بنا خواهيم كرد."

مثلا اگر در يك مسجد ، غير خدا خوانده شود و در آن كفرگويي شود ، خودبخود
به مسجد ضرار بدل مي شود. در حالي كه ساختمان مسجد همان ساختمان قبلي
است و به هيچ وجه ساختمان مطرح نيست. بلكه خدا مطرح است.

[۹:۱۰۷] والذين اتخذوا مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين وارصادا لمن
حارب الله ورسوله من قبل وليحلفن ان اردنا الا الحسنى والله يشهد انهم لكذبون
[۹:۱۰۷] كساني هستند كه از مسجد براي بت پرستي سوء استفاده مي كنند،
مؤمنان را فرقه فرقه مي كنند و براي مخالفان خدا و رسولش راحتي فراهم مي
نمايند. آنها قاطعانه سوگند مي خورند: "نيت ما خير است!" خدا شهادت مي دهد
كه آنها دروغگو هستند.

اگر مساجد براي خدا باشد ، در آن صورت آن مسجد متعلق به خداست ، حتي اگر
در کنار آن مقبره هم باشد. مساجد زماني مال خدايند كه غير خدا در آن خوانده
نشود. اما خدای مهربان خط قرمزي هم تعيين کرده است. خدای مهربان صراحتا
اعلام مي دارد كه "لا تتبعوا خطوات الشياطين" (۲:۲۰۸). از قدمهاي شيطان
پيروي نكنيد. يعني چيزي كه امكان سوء استفاده از آن هست ، به كار برده نشود.

[۷۲:۱۸] وان المسجد لله فلا تدعوا مع الله احدا
[۷۲:۱۸] مكان هاي عبادت متعلق به خداست؛ در کنار خدا احدي را نخوانيد.

در ضمن خدا اصلا كار آنان را تاييد نكرده است. فقط فرموده است " كساني كه
غالب آمدند، گفتند: "ما اطراف آنها محلي براي عبادت بنا خواهيم كرد." مثل اين
است كه سخن برادران يوسف در مورد پدرشان را در آيه ۸:۱۲ تاييد كنيم كه
گفتند: "ان ابانا لفي ضلل مبين". مطمئنا خدای مهربان هيچوقت امر به خواندن
غير خدا نمي كند.

[۱:۵] اياك نعبد و اياك نستعين

[۱:۵] تنها تو را می پرستیم؛ تنها از تو یاری می خواهیم.

با توجه به این که وظیفه تمام رسولان الهي اعلام خواندن فقط خدا بوده است پس معلوم می شود که این مساله خیلی مهم است. و این نشان می دهد که تمام جرم و جنایه‌های دیگر از این واقعه برمیخیزد. مشرکین زمان محمد مقدسینی برای خود فرض کرده بودند و آنان را شريك خدا قرار داده بودند نتیجه آن شد که از مقدسین خود مجسمه هایی درست کردند تا که مقدسین خود را نزدیک خود داشته باشند و از نزدیک بتوانند آنها را زیارت کنند. و آن را داخل کعبه گذاشتند. این درحالی است که فقط یاد خدا قلبها را آرامش میبخشد. و خداست که از هرکسی به ما نزدیکتر است اما مشرکین برای رفع همین نیاز فطري مجسمه درست کردند و مقدسین خود را نزدیک خود قرار دادند. تا که این نیاز آنان برطرف شود (و هرگز هم برطرف نشد و نمی شود).

مسلمانان امروزي که مقدسینشان را از خود دور میبینند ناچارا برای آنان مقبره هایی (همان مجسمه های قدیم) درست کرده اند تا که نزدیک آنان باشند. و با آنها احساس نزدیکی کنند. به طوریکه در هر محله ای قبر سید و یا امامزاده ای یافت می شود. اما این وعده الهي است که هیچوقت احساس آرامش نمی کنند. فقط خداست که دلها را آرامش می دهد. در زمان محمد مشرکین قریش به زیارت مجسمه هایی میرفتند که این مجسمه ها یادگار مقدسین آنها بوده است. همانند مسلمانان امروزي که زیارتگاههایی دارند که یادگار مقدسینشان است. آن مجسمه ها اسم داشتند. مقابر امروزي هم اسامي دارند. حرف از مجسمه گلي نیست. حرف از کسانی است که زمانی انسان بوده اند ولي حالا **بت** (مجسمه - زیارتگاه - مقبره و) شده اند. حرف از کسانی است که زمانی انسانهایی مثل ما بوده اند ولي به مرور زمان بت شده اند. مجسمه و مقبره و زیارتگاه ظاهر قضیه هستند. اینها نتیجه شرك هستند. هر مجسمه و مقبره و زیارتگاهی نشان از این است که زمانی انسانهایی به سرحد پرستش رسیده اند.

[۷:۱۹۴] ان الذين تدعون من دون الله **عباد** امثالكم فادعوهم فليستجيبوا لكم ان كنتم صدقين

[۷:۱۹۴] معبودانی که در کنار خدا می خوانید، **بندگان** مانند شما هستند. بروید و آنها را صدا کنید؛ بگذارید به شما پاسخ دهند، اگر حق با شماست.

۵۵ مردم آرامش میخواستند ولی چیز دیگری گیرشان آمد.

آن مردمی که در زمان پیامبر از مقدسین خویش مجسمه درست کرده بودند و آن را در داخل خانه کعبه و خانه های خویش قرار داده بودند ، برای کسب آرامش این کار را می کردند. زیرا آنها می خواستند که مقدسین آنان نزدیکشان باشند و به این طریق احساس آرامش می کردند. غافل از اینکه خدا از هرکسی به آنان نزدیکتر است. غافل از اینکه فقط خداست که دلها را آرامش می دهد. خدا حتی از رگ گردن به انسان نزدیکتر است.

[۱۳:۲۸] الذین ءامنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب
 [۱۳:۲۸] آنها کسانی هستند که با یاد خدا دل هایشان شاد می شود. مسلما، با یاد خدا دل ها به وجد می آیند.

۵۶	سراب
----	------

استعانت از خدا يك چیز واقعي است که جواب می دهد. طلب کمک از مقدسین سرابی بیش نیست و گمراهی آشکار است. خدای مهربان مثالهای کاملی در کتابش در این زمینه زده است که کاملا مفهوم استعانت از غیر خدا را می رساند.

[۱۳:۱۴] له دعوة الحق والذین يدعون من دونه لا يستجیبون لهم بشيء الا كبسط كفيه الى الماء ليبلغ فاه وما هو ببلغه وما دعوا الكفرین الا في ضلک
 [۱۳:۱۴] هرگونه دعا و درخواست جز به درگاه او جایز نیست، در حالی که معبودانی که در کنار او قرار می دهند و از آنها درخواست می کنند، هرگز نمی توانند پاسخ دهند. بنابراین، آنها مانند کسانی هستند که دستان خود را به سوی آب می گشایند، ولی چیزی به دهانشان نمی رسد. دعا و درخواست کافران بیهوده است.

۵۷	افتخار بندگان خدا در قیامت
----	----------------------------

کسانی که در بهشت به سر می برند از این که در دنیا از خدا طلب کمک کرده اند افتخار می کنند.

[۵۲:۲۸] انا كنا من قبل ندعوه انه هو البر الرحيم
 [۵۲:۲۸] "ما پیش از این از او درخواست می کردیم؛ اوست بامحبت ترین، مهربان ترین."

برادر گرامی و خواهر گرامی اگر میخواهید که هم در این دنیا خوشبخت باشید و هم در آن دنیا پس بهتر است که در امور عبادتت يك بازبینی انجام دهید.

۵۸ سختی ها و مشکلات

خدای مهربان ما را با سختی ها و مریضی ها آزمایش می کند تا که از **خدا خاضعانه** طلب کمک کنیم. در حقیقت خدای مهربان از انواع حیلۀ های خوب استفاده می کند تا که ما به سمت او برگردیم. ولی کو گوش شنوا!

[۶:۴۲] ولقد ارسلنا الی امم من قبلك فاخذنهم بالباساء والضراء لعلمهم یتضرعون
[۶:۴۲] ما برای امتهای پیش از تو نیز (رسولانی) فرستاده ایم و آنها را با سختی و مصیبت امتحان کردیم، باشد که دست به دعا بردارند.

۵۹ قیامت

خدای مهربان نشان می دهد که در بزرگترین سختی (قیامت) همه مردم قلبا شرکا را فراموش می کنند و به یاد خدا می افتند و پوچ بودن طلب کمک از مقدسین برایشان ثابت می شود.

[۴۱:۴۸] وضل عنهم ما كانوا یدعون من قبل وظنوا ما لهم من محیص
[۴۱:۴۸] معبودانی که به حد پرستش رسانده بودند، آنها را طرد خواهند کرد و آنها خواهند فهمید که راه گریزی نخواهد بود.

۶۰ فقط خدا همه جا با ماست

[۲۴:۳۹] والذین کفروا اعملهم کسراب بقیعة یحسبه الظمءان ماء حتی اذا جاءه لم یجده شیءا ووجد الله عنده فوفه حسابہ والله سریع الحساب
[۲۴:۳۹] و اما کسانی که کافر هستند، اعمالشان مانند سرابی است در صحرا. شخص تشنه فکر می کند که آن آب است، اما هنگامی که به آن می رسد، می فهمد که چیزی نیست و در عوض، خدا را آنجا می یابد، تا جزای کامل اعمالش را بدهد. خدا دقیقترین حسابرس است.

خدای دانا شنوای داناست. میلیونها نفر ممکن است در روز خدا را بخوانند. خدای بزرگ صدای همه (حتی قلب همه) را میشنود. هیچ کسی به جز خدای مهربان

نمی تواند صدای همه را بشنود. این صفت فقط صفت خداست. قائل شدن چنین صفتی برای کسی دیگر غیر از خدا کاملاً شرک است. هیچ کس مثل او نیست. معنای شرک دقیقاً همین است.

[۴۲:۱۱] فاطر السموات والارض جعل لكم من انفسكم ازوجاً ومن الاعم ازوجاً يذروكم فيه ليس كمثلها شيء وهو السميع البصير
[۴۲:۱۱] پدیدآورنده آسمان ها و زمین. او از میان خودتان برای شما همسرانی آفرید- و نیز برای حیوانات. او بدین ترتیب، وسیله ازدیاد شما را فراهم می کند. هیچ چیزی نیست که با او برابری کند. اوست شنوا، بینا.

کسانی که چنین صفتی را برای مقدسین قائل می شوند هیچوقت روی بهشت را نخواهند دید. خداست که در هر جایی با ماست نه محمد و حسین و... .

[۵۷:۴] هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اين ما كنتم والله بما تعملون بصير

[۵۷:۴] اوست یکتایی که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید،* (سپس اقتدار را در دست گرفت. او از هرچه داخل زمین می شود و هرچه از آن بیرون می آید، و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به سوی آسمان بالا می رود، باخبر است. هر جا که باشید او با شماست. خدا بر تمام اعمالتان بیناست.

آیه زیر صراحتاً می گوید که مقدسین صدا را نمیشنوند و جواب نمی دهند.	۶۱
--------------------------------------------------------------------	----

[۳۵:۱۴] ان تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا ما استجابوا لكم ويوم القيمة يكفرون بشرككم ولا ينبئك مثل خبير
[۳۵:۱۴] اگر آنها را بخوانید، نمی توانند ندای شما را بشنوند. حتی اگر هم بشنوند، نمی توانند به شما پاسخ دهند. در روز رستاخیز، آنها شما را طرد خواهند کرد. هیچ کس نمی تواند مانند آن آگاه ترین تو را آگاه سازد.

وظیفه پیامبر محمد مشخص بود و هست	۶۲
----------------------------------	----

این در حالی است که خدای مهربان اعلام می دارد که محمد فقط رسولی است که پیغام خدا را به مردم می رساند نه چیز دیگری.

[۴۰:۱۳] اگر آنچه را که به آنها وعده می‌دهیم، به تو نشان دهیم یا زندگی تو را پیش از آن به پایان برسانیم، تنها ماموریت تو رساندن (پیام) است. این ما هستیم که به حسابشان رسیدگی خواهیم کرد.

حساب و کتاب دست خداست نه محمد و یا کسی دیگر. ما روزی ۱۷ مرتبه می‌گوییم ملك يوم الدين ؛ محمد نمی‌تواند آسیب یا سودی به کسی برساند. او فقط رسول بود.

[۱۲۸:۳] ليس لك من الامر شيء او يتوب عليهم او يعذبهم فانهم ظلمون
[۱۲۸:۳] به دست تو نیست؛ شاید او آنها را ببخشد یا آنها را برای ستمکاری هایشان تنبیه کند.

پس ما باید در این دنیا رضایت خدا را جلب کنیم. کسانی که در این دنیا عمل صالح انجام می‌دهند. همان عمل صالح ممکن است شفیع آنان شود. اگر همان مال و ثروت را شریک خدا قرار ندهید و به آن دل نبندید ممکن است شفیع و نجات دهنده شما باشد. اگر در تربیت فرزندی صالح موثر بوده‌ای و مرتکب شرک نشده‌ای ممکن است همان فرزند صالح شفاعت شما را بکند. در هر حالت ما در صورتی شفیع خواهیم داشت که برای آخرت خود کاری انجام داده باشیم و ذخیره‌ای اندوخته باشیم ؛ همان ذخیره شفیع ما خواهد بود.

[۳۹:۵۳] وان ليس لانسن الا ما سعی
[۳۹:۵۳] هر انسانی مسئول اعمال خویش است.

[۱۹:۸۲] يوم لا تملك نفس لنفس شيء والامر يومئذ لله
[۱۹:۸۲] آن روزی است که هیچ نفسی نمی‌تواند به نفس دیگری کمک کند، و در آن روز تمام تصمیمات، متعلق به خدا خواهد بود.

۶۳ خواندن خدا در مشکلات

در دعاها بین خدا و انسان نباید کسی و یا چیزی واسطه شود. این سختترین آزمایشی است که برای یک انسان در نظر گرفته می‌شود. بعضی کارها باید با یک واسطه و وسیله انجام پذیرد ، اما تعدادی کار اصلی هست که باید بدون واسطه انجام پذیرد. با یک مثال موضوع را می‌شکافیم . تصور کنید که شما برای آموزش رانندگی ثبت نام کرده‌اید. در این حالت وسایلی برای آموزش شما در نظر گرفته می‌شود. از جمله اینکه یک اتومبیل ساخته شده است. یک مربی برای این کار آموزش دیده شده است. ساعت مشخصی برای این کار در نظر گرفته شده است. کمربند ایمنی باید استفاده کنید و ... اینها وسیله اند برای آموزش شما. اما نکته

اصلي اين است كه شما بايد خودتون پشت فرمان بنشينيد و خودتون رانندگي كنيد. اگر مرابي يكي ديگر را بياورد و پشت فرمان بنشانيد و بخواهد از طريق اين واسطه رانندگي را به شما ياد دهد ، هيچوقت نخواهد توانست و شما هم هيچوقت ياد نخواهيد گرفت. در واقع آن همه وسيله و امكانات براي اين بود كه شما خودت پشت فرمان بنشينيد و مستقيماً خودت رانندگي كنيد. در مورد دعا هم همينطور است. پيامبران آمدند تا ما را به راه راست راهنمايي كنند ، تا راه درست خداپرستي را به ما نشان دهند. تمام نعمتهاي دنيا در اختيار انسان قرار داده شده است. براي چي ؟ براي اينكه ما خودمون مستقيماً و بدون واسطه خدا را بخوانيم. هدف خواندن خداست بدون واسطه. هدف اصلي نبايد گم شود. شيطان ملعون در گيرو دار و شلوغي روزگار ميخواهد هدف اصلي را كم اهميت جلوه دهد و آن را گم كند.

متأسفانه خيلي از انسانها شكرگذار خدا نيستند و در جريان اصلي زندگي خدا را فراموش مي كنند. در جريان معمولي زندگي از واسطه هاي خويش طلب كمك مي كنند ، براي آنان قرباني و نذر مي كنند . اما همينكه به يك مشكل جدي برخوردند ، آنوقت فقط خدا در ذهنشان مي ماند و آنموقع فقط از خدا طلب كمك مي كنند و دعاهایشان خالص به خدا تعلق مي يابد. اما آنموقع چه فايده اي دارد؟ آيا تا بحال شده كه در حين غذا خوردن لقمه تو گلوتون گير كند. در آن حالت كه مرگ را با چشمهاي خويش ميبيني! در اين حالت انسان خالصانه خدا را در نظر ميگيرد و تمام واسطه ها يهو گم مي شوند. اما چرا نبايد اين خالصانه خواندن خدا در همه وقتها باشد. چرا بايد فقط در زمان خفه شدن باشد! واقعا چرا انسان اين حس زيباي يكتاپرستي را بايد به لحظات مرگ و لقمه در گلو گير كردن ببيند ، آيا واقعا مايه تاسف نيست!

سوره يونس آيه ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵

۲۲ اوست كه شما را در سراسر خشكي و دريا حركت مي دهد. شما در كشتي ها سوار مي شويد و آنها به آرامي در نسيمي دلپذير حركت مي كنند. سپس، در حالي كه در آن شادمان هستند، بادي سخت مي وزد و امواج از هر طرف آنها را در بر مي گيرد. در اين هنگام است كه آنها از خدا درخواست مي كنند. دعاهای خود را خالصانه فقط به او اختصاص مي دهند: "اگر تو فقط اين بار ما را نجات دهی، تا ابد سپاسگزار خواهيم بود."

۲۳ اما همين كه آنها را نجات مي دهد، در زمين تعدي مي كنند و با حقيقت مخالفت مي نمايند. اي مردم، ستمكاريتان فقط عليه نفس خودتان است. شما سرگرم زندگي مادي اين دنيا شده ايد، سپس بازگشت نهايي شما به سوي ماست، آنگاه ما شما را از تمام اعمالی كه انجام داده بوديد، آگاه مي كنيم.

۲۴ مثال زندگی این دنیا مانند این است: ما آب را از آسمان فرو می فرستیم تا با آن انواع گیاهان را از زمین برویانیم و برای مردم و حیوانات غذا فراهم کنیم. سپس، درست هنگامی که زمین کاملاً آراسته شده است و مردم آن فکر می کنند که آن را تحت کنترل دارند، حکم ما در شب یا روز* فرا می رسد، آن را کاملاً خشک و بدون محصول باقی می گذارد، چنانکه گویی روز قبل چیزی وجود نداشته است. ما آیات را این چنین برای مردمی که تفکر می کنند، توضیح می دهیم.

۲۵ خدا به سرای صلح دعوت می کند و هر که را بخواهد، در راه مستقیم هدایت می نماید.

۶۴ چرا معمولا دعاهای انسان در لحظات آخر مستجاب می شود؟

با توجه به مطالب بالا جواب این سوال خیلی ساده است. زیرا انسان در طول زندگی از طریق واسطه ها طلب کمک می کند ، اما همینکه مشکلش جدی شد ، خودش شخصا متوجه می شود که فقط خدا همه کاره است ، خودش شخصا متوجه می شود که فقط خدا صدای همه را می شنود ، خودش شخصا متوجه می شود که فقط خدا همه را میبیند ؛ در این حالت **خالصانه** خدا را میخواند و در این حالت است که خدا دعایش را مستجاب می کند ، همین خالصانه خواندن باعث اجابت دعای او می شود. جالب این است که با این تجربه ، چنین انسانی بعد از نجات یافتن ، دوباره به سراغ همان عادت اولی میرود. وا اسفا!!! خدای مهربان توانا می فرماید : ادعونی استجب لکم ، اما چرا دعاهای خیلی ها مستجاب نمی شود ؟ زیرا خالصا برای خدا نیست. اگر دعا خالص باشه ، طبق وعده خدا حتما برآورده می شود (ادعونی استجب لکم).

۶۵ اگر محمد و علی و حسین حالا زنده بودند!

اگر محمد و علی و حسین زنده بودند ، و شما از آنها سوال و یا درخواست می کردید ، آنها خودشان می دانستند چطوری جواب شما را بدهند و چطوری شما را راهنمایی کنند. مثلا اگر شما پیش علی می رفتید و به او می گفتید یا علی بچه ام را شفا بده ؛ او هم در جواب تو می گفت : انشاء الله خدا شفا بده ، شفا دست خداست. مرد حسابی من هم یک انسانم مثل تو ، تو باید از خدا شفا خواهی نه من.

دقیقا حرف ما این است که آنها صدای شما را نمی شنوند و نمیتوانند جواب شما را بدهند ، این کل حرف ماست و در این مورد هم آیات متعددی به عنوان دلیل آوردیم. مثلا مسیح در قیامت حتی خبر ندارد که نسل آینده او را خدا میخوانند و برای او و مادرش نظریه تثلیث تراشیده اند. تمام حرف ما این است :

[46:5] ومن اضل ممن يدعو من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيامة وهم عن دعائهم غافلون

کیست گمراه تر از آنان که معبودانی را در کنار خدا می خوانند که آنها تا روز رستاخیز نتوانند پاسخشان دهند، و آنان از عبادات آنها به کلی بی خبرند؟

اگر محمد ، مسیح ، علی و ... حالا زنده بودند ، شما پیش آنها میرفتید و هرچی دلتون میخواست میتوانستید بگویید ، زیرا ما به آنها اطمینان داریم و میدانیم که چطوری با شما برخورد میکردند و چی در جواب شما میگفتند و چطوری شما را راهنمایی می کردند.

شما می گوئید که مرده ها صدای شما را میشنوند و آن هم همزمان صدای میلیونها نفر را و این درخواستها را از طرف خدا اجرا میکنند. اما ما میگوئیم که :
اولا آنها صدای شما را نمیشنوند و حتی اگر هم بشنوند ، نمیتوانند هیچ کاری برای شما انجام دهند.

۶۶ ناسپاسی (داستان)

سعید حدودا پنج سال بود که زن گرفته بود. سعید يك خصوصیت خوب داشت و آن هم این بود که از غیر خدا طلب کم نمی کرد ، این خصوصیت او واقعا خیلی خوب بود. اما زنش این مورد را رعایت نمی کرد. بعد از پنج سال هنوز بچه دار نشده بودند ؛ او از خدای قادر توانا درخواست بچه کرد. بالاخره خدا بعد از پنج سال يك بچه به آنها داد. متاسفانه بچه بعد از چند هفته تنگی نفس گرفت و روانه آی سی یو شد. لحظه حزن انگیزی بود ، بعد از پنج سال نازایی ، صاحب يك بچه بشی و آن بچه هم تنگی نفس داشته باشد. دکترها گفتند که بچه احتمال اش کم است که برگردد. زن سعید خیلی هول شد. یکی از زنهای فامیل به زن سعید توصیه کرده بود که برای بچه نذر قمر بنی هاشم بکنند تا بلکه قمر بنی هاشم گوشه چشمی به بچه شان داشته باشد. زن این پیشنهاد را به او داد. سعید خیلی تعجب کرد و با عصبانیت و حسرت گفت ای زن :
آخه من مگه بچه ام را از قمر بنی هاشم گرفته ام که حالا از او طلب کم کنم. اون موقع که بیکار بودم خدا يك کار برام فراهم کرد ، اون موقع که هیچی نداشتم ، از خدا خواستم و خدا در حد خودم بهم داد ، اون موقع که بچه نداشتم ، از خدا

خواستم که بچه بهمون بده ، خدا بهمون داد. حالا که توی این مشکل گیر کرده ایم ، باید از یکی دیگه کمک بخوایم و پای یکی دیگه را میان بکشم. آخه مگه قمر بنی هاشم کار برام جور کرد؟ مگر قمر بنی هاشم وضع مالیمو خوب کرد ؟ مگر قمر بنی هاشم بهم بچه داد؟ مگر ...؟ پس چرا من از یکی دیگه طلب کمک کنم ؟ پس چرا من از یکی دیگه شفای بچه ام را بخوایم؟ چرا اعصابم را خرد میکنی ؟ ای خدای مهربان تو خودت شاهد باش که من هیچوقت چنین ناشکری را مرتکب نخواهم شد. من آنقدر نمک نشناس نیستم که محبتهای تو را فراموش کنم و از یکی دیگه طلب کمک کنم. ای خدای توانا همانطور که خیلی چیزها بمن دادی ، از تو خاضعانه میخوایم که بچه ام را بهم برگردونی. یک روز گذشت ، پرستار به زن اعلام کرد که همین امروز میتونی بچه را ترخیص کنی زیرا علائم نشان می دهد که بچه حالش کاملا خوب است. این داستان واقعی بود. اما اسم غیر واقعی بود. این داستان زیبا من را یاد سخنان پیامبر ابراهیم می اندازد . آنموقع که پدرش و قومش از او خواستند که از بتها طلب شفاعت کند و ابراهیم سر باز زد و جملات تاریخی و ناب خویش را گفت که باید با آب طلا نوشت و به دیوار مساجد و عبادتگاهها کوبید.

[۲۶:۷۸] "یکتایی که مرا آفرید و مرا هدایت کرد.

[۲۶:۷۹] "یکتایی که به من غذا و آب می دهد.

[۲۶:۸۰] "و هنگامی که بیمار شوم، او مرا شفا می دهد.

[۲۶:۸۱] "یکتایی که مرا می میراند، سپس دوباره مرا زنده می کند.

[۲۶:۸۲] "یکتایی که امیدوارم در روز قضاوت گناهان مرا بیامرزد.

[۲۶:۸۳] "پروردگار من، به من حکمت عطا فرما و مرا در شمار پرهیزکاران

قرار ده.

درواقع خداست که همه چیز به ما می دهد. این نعمت خداست که ما بوسیله آن نفس می کشیم. این رزق و روزی خداست که ما آن را مصرف می کنیم. این خداست که ما را از مشکلات نجات می دهد ، این خداست که برای شما کار فراهم می کند ، این خداست که به شما آنقدر امکانات داده است که بتوانید اینترنت در خانه خود داشته باشید. حالا آیا ناسپاسی نیست که کسی غیر از او را بخوانیم و قمر بنی هاشم را در کارهایی که اصلا و ابدا دخالتی نداشته است ، دخالت دهیم. آیا این بزرگترین ناسپاسی نیست؟

۶۷ آیا واقعا نزد مسلمانان خدا از هرچیزی بزرگتر است ؟

مسائلی که در زیر بیان می شود جزو واقعیات جامعه است و نمی توان آن را منکر شد ؛ این موارد نشان می دهد که نزد خیلی از مسلمانان خدا بزرگتر نیست و

الله اكبر فقط يك شعار است و اصولا به آن عمل نمي شود. متاسفانه خيلي از مسلمانان زماني كه اسم محمد و يا ساير مقدسين خويش را ميشنوند ، سلام و صلوات بدرقه آنان مي كنند ، درحالي كه وقتي اسم خدا را ميشنوند و يا ذكر مي كنند ، چيزي نمي گویند و خيلي راحت مي گویند " خدا ". اين نشان از اين دارد كه خدا در ذهن آنان بزرگتر از مقدسين نيست. البته در مقام سخن اين را انكار مي كنند ، اما همه ميدانيم كه عمل مهم است ، زيرا آنان در عمل اينجوري نشان داده اند و مي دهند. خيلي ها در مقام حرف چيزهاي خوب خوب مي گویند ولي در مرحله عمل توي آن مي مانند. كسي كه مسلمان است بايد عملا (و نه فقط تئوريتا) ثابت كند كه خدا بزرگتر است (يعني الله اكبر). پشت اتوبوسها ، كاميونها و ساير وسايل نقليه اسم مقدسين خود را مينويسند و ياد آنان را زنده نگه ميدارند و به ندرت از خدا نام ميبرند. در واقع اسامي مقدسين سراسر جامعه را پوشانده است . البته در جواب مي گویند كه اينها فقط واسطه و وسيله اند. واقعا و انصافا اين چه واسطه اي است كه در تك تك اعمال روزانه مردم ظاهر شده است ! آخه سفسطه هم حدي دارد. و اين نشان مي دهد كه واسطه ها **جلو دید** را ميگیرند و نميگذارند كه خيلي از مردم ، خدا را بخوانند. مثل اينه كه يك مادر به بچه اش از طريق يك رابط و واسطه محبت كند و بچه هم از طريق يك رابط و واسطه با مادرش ارتباط برقرار كند. مشخص است كه اين بچه زياد به مادرش دلبسته نخواهد شد بلكه بيشتر محبت واسطه را ميبيند و در آينده هم كه بزرگ شد ، واسطه را مادر خويش ميداند. ذكر و شيوخ اسم مقدسين در تمام زواياي زندگي خطرناك است و باعث در حاشيه قرار گرفتن خدا مي شود. اين همان حيله اصلي شيطان در طول تاريخ بوده است (وهست) براي منحرف كردن انسانها. يكي از ضررات واسطه ها همين است ، يعني خدا را به حاشيه ميراند و كاري مي كند كه خيلي از صفات خدائي به واسطه ها داده شود. به همين خاطر است كه خيلي از مسلمانان اعتقاد دارند كه واسطه ها و مقدسينشان همه جا را ميبيند و صداي همه را مي شنوند و مي توانند بعد از مرگ نيازهاي پيروان خويش را برآورده كنند؛ زيرا به واسطه ها دلبسته اند. آدمي فطرتا به كسي دل مي بندد كه صفات خدائي در او موجود باشد ، نتيجتا خيلي از صفات خدا را به مقدسين خويش داده اند. حتي خيلي از آنان به مقدسين خويش افتخار مي كنند زيرا معتقدند كه مقدسين آنان كن فيكون مي كنند ولي مقدسين ساير جوامع در رده بسيار پايينتري اين كار را انجام مي دهند. اينها همگي تعصبات فرقه اي و شيطاني است. خدائي توانا منزّه است از اين عقايد شرك آلود.

۶۸ این همه دلیل برای چی بود؟

این همه دلیل که در این مقاله ذکر می شود برای این است که ثابت شود خدا تک و تنهاست. اگر بعد از خواندن این همه دلیل ، باز هم کسی همان حرفهای قبلی خويش را بزند ، بايد هشيار پايينتري اين كار را انجام مي دهند. اينها همگي تعصبات فرقه اي و شيطاني است. خدائي توانا منزّه است از اين عقايد شرك آلود.

خود بهترین معیار برای سنجش کفر افراد است. مهمترین معیار "کفر" دوست نداشتن فقط خداست. وقتی به آنها میگویند که فقط خدا را بخوانید ، فوراً بهت اعتراض می کنند و مقدسین خویش را به رخ میکشند و این دقیقاً نشانه کفر است. هنگامی که فقط نام خدا برده شود، قلب های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، با بیزاری می گیرد. اما هنگامی که نام دیگران در کنار او برده شود، راضی می شوند.

[۳۹:۴۵] وَاِذَا ذَكَرَ اللهُ وَحْدَهُ اشْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَاِذَا ذَكَرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
[۳۹:۴۵] هنگامی که فقط نام خدا برده شود، قلب های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، با بیزاری می گیرد. اما هنگامی که نام دیگران در کنار او برده شود، راضی می شوند.*

۶۹ موقعیت خدا را به مقدسین ندهید

خیلی از مسلمانان به بهانه اطاعت از پیامبر ، از او شفای بچه شان را می خواهند. از پیامبر می خواهند که در زندگی به دادشان برسد. به همین خاطر پشت اتومبیلها ، کامیونها عبارت "یا رسول الله" را حک می کنند و همین منوال و ایده را برای سایر مقدسین خویش به کار می برند. اگر به آنها بگویی که فقط از خدا طلب کمک کنید ، فوراً تو را به توهین به پیامبر و دین متهم می کنند. غافل از اینکه ، این کار آنان شیطان را شاد می کند و با این عمل غضب خدا را برای خود فراهم می آورند. خدای توانای مهربان ، خالق عالمیان ، ما را با رمز "فقط ذکر خدا آرامش دهنده قلبهاست" آفریده است. این رمز خلقت است. بدون این رمز هرگز نمی توانیم آرامش بدست بیاوریم. آن چیز و آن کس که بیشتر وقت در ذهن شما تقدس دارد ، خدای شماست. کسی که بیشتر وقت در فکر پیامبر و مقدسین است ، خدای دیگری برای خود برگزیده است ، هر چند که مدعی باشد که خدای او یکتاست ؛ زیرا عمل مهم است نه حرف. زیرا او عملاً در طول زندگی از محمد و علی و سایر مقدسین به جای خدا کمک می خواهد. او وقتی می خواهد از جای خود بلند شود ، می گوید "یا علی". وقتی اتوبوس به سرگردنه میرسد ، بر محمد و آل او سلام می فرستد و هزاران مورد دیگر. به این طریق به جای خدا ، مقدسین خویش را ذکر می کند و به این ترتیب عملاً خدایان دیگری دارد ؛ هر چند که تنوریتا خدای یکتا را می پرستد. انسانها فطرتاً می خواهند موجودی را بپرستند که قدرتهای زیادی داشته باشد. مسلمانانی که پیامبر و مقدسین را به جای خدا ذکر می کنند ، ناخواسته (بدون این که خود بدانند) ، **خیلی از نقشهای خدا را به مقدسین داده اند**. زیرا تنها کسی که در همه حال با ماست و همه افکار ما را کنترل

می کند ، خداست و کسی دیگر به جز خدای مهربان چنین قدرتی را ندارد. کسانی که به جای خدا ، مقدسین خویش را ذکر می کنند ، مجبورند که خیلی از نقشهای خدا را به مقدسین بدهند. زیرا مقدسین در اصل آدمهای عادی و معمولی مثل سایر افراد بودند. اما چون انسان فطرتاً خدای قدرتمند می خواهد ، پس مجبور می شود که مقدسین خویش را معصوم از گناه بداند ، مجبور می شود که برای مقدسین خویش قدرتی مافوق بشری بترشد (حتی بعد از مرگ) ، مجبور می شود بگوید که مقدسین نورانی بودند و سایه نداشتند ، مجبور می شود که بگوید مقدسین از علم غیب خبر دارند ، مجبور می شود که بگوید مقدسین از احوال همه پیروانشان خبر دارند ، مجبور می شود بگوید که مقدسین بی عیب و نقص بودند ؛ تا اینکه برای عده ای از مسلمانان کار به جاهای باریکتر می کشد و عده ای خود را برده و بنده و سگ مقدسین می خوانند و بعضی موارد دیگر که واقعا آدمی را متحیر می کند! آدمی تا چه حدی!! می تواند نسبت به خدای خویش ناسپاس باشد. اینها همه اش حقه بازی شیطان و دستیارانش است برای بدبخت کردن مردم. زیرا انسان فطرتاً دوست دارد که قدرتمندترین موجود را پرستش کند. بنابراین اگر شما در ذهن خویش بیشتر وقت مقدسین خویش را به جای خدا ذکر می کنی ؛ یعنی اینکه داری کم کم مقدسین خویش را در **آن موقعیت** قرار می دهی و به این طریق بقیه ماجراها بوجود می آید. مجبورید که قدرتهای زیادی برای مقدسین خویش بتراشید (حال از هر طریقی ، از حدیث ، از افسانه های گذشتگان ، از خودت ، خلاصه از همه) . اگر کسی و یا چیزی (مثل پیامبر ، مقدسین ، مال دنیا و ...) در ذهن شما بسیار بزرگ شد و بیشتر وقت ذهن شما را مشغول کرد ، باید فوراً به خدا پناه ببرید ، زیرا این حيله شیطان است که بر روی شما دارد پیاده می شود. به همین خاطر است که خدای مهربان در قرآن اصرار دارد که تمام شعائر دین مربوط به خداست و نباید اسم کسی دیگر به جز خدا را در شعائر دین وارد کرد. نماز ، روزه ، حج ، اذان ، قربانی و ... فقط و فقط باید برای خدا باشد. این يك اصل مهم است که تمام دینهای آسمانی بر این اساس بنا شده اند و اگر یکی از ادیان و مذاهب غیر از این را توصیه کند ، مطمئن باشید دست خورده است و حقه شیطان ملعون روی پیروانش اجرا شده است. اگر از شما پرسیدند که اصول دین چیست ، این را به او بگویید. اصل دین همین است و بس.

۷۰ موقعیت پیامبران و مقدسین چگونه باید باشد؟

اما واقعا موقعیت پیامبران و مقدسین در دین چگونه باید باشد؟ چکار کنیم که در ذهن ما جای خدا را نگیرند؟ از نظر قرآن چه معیاری برای آن وجود دارد؟

این مهم ترین نکته یکتاپرستی است. خدای مهربان در قرآن ما را راهنمایی می کند. آیات قرآن پر است از نکته های ظریف که تدبیر در آن ، ما را به راه راست

راهنمایی می کند. آیه زیر را در نظر بگیرید:

**[41:37] ومن آياته الليل والنهار والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر
واسجدوا لله الذي خلقهن ان كنتم اياه تعبدون**

**[41:37] در میان مدرک های او شب و روز و خورشید و ماه است. در مقابل
خورشید و ماه سجده نکنید؛ در مقابل خدا سجده کنید که آنها را آفرید، اگر واقعا
تنها او را پرستش می کنید.**

خدای قادر توانا ابتدا چهار چیز را در آیه بالایی به عنوان نعمت و رحمت خود بیان می کند. آن چهار چیز هم خورشید و ماه و شب و روز است. اما در ادامه می فرماید که ای مردم برای خورشید و ماه سجده نکنید. نکته جالبی که در اینجا مطرح می شود این است که خدا نمی فرماید برای **شب و روز** سجده نکنید بلکه فقط می فرماید برای خورشید و ماه سجده نکنید! در حالی که اهمیت شب و روز کمتر از خورشید و ماه نیست. همانطور که بدون خورشید و ماه نمی توان زندگی کرد، بدون شب و روز هم نمی توان زندگی کرد. این همان نکته مهم است که اصل یکتاپرستی را بیان می کند. زیرا خورشید و ماه اجسام فیزیکی هستند، اما شب و روز اجسام فیزیکی نیستند. این نشان می دهد که مردم بیشتر آن چیزی را پرستش می کنند که در دید باشد (در قرآن ذکر شده است که بلقیس، ملکه سبا و پیروانش در مقابل خورشید سجده می کردند) پیامبر هم پیام خدا را ابلاغ می کند، خدا دیده نمی شود، اما پیامبر دیده می شود. به همین خاطر خیلی از مردم بعد از پیامبر استفاده های دیگری می کنند. بیشتر به پیامبر دل می بندند نه خدا! مثلا از پیامبر شفای بچه شان را می خواهند، مستقیما از خدا شفای بچه را نمی خواهند! به این طریق آن کس و یا آن شیء (پیامبر و خورشید) را سر راه خود و خدا قرار می دهند. خورشید به آن خدا نور می دهد و وظیفه اش را به نحو احسن انجام می دهد. وظیفه خورشید نوردهی است، خورشید فقط در همین جهت واسطه است یعنی نوردهی. ما نباید غیر از آن انتظار دیگری از خورشید و ماه داشته باشیم. به همین منوال پیامبر هم پیام خدا را ابلاغ می کند، و نباید غیر از آن انتظار دیگری از پیامبر داشته باشیم. بنابراین نتیجه میگیریم که استفاده از هر چیزی در جهت وظیفه آن وسیله درست است؛ اما استفاده از هر وسیله در غیر جهت بچه داشته باشیم، ما نباید در شعائر دینی خویش بر خورشید و پیامبر سلام و صلوات بفرستیم. پس بیایید خدای توانای مهربان را پرستش کنیم و شعائر دینی خویش را فقط و فقط و فقط به او اختصاص دهیم.

پایان:

ایده "فقط خدا" چیز بدی نیست که شما در مقابل آن ایستادگی می کنید. کسی که فقط خدا را تبلیغ می کند ، نباید او را ستمکار و دشمن خواند. توصیه می کنم که زندگی خویش را نابود نکنید. کسی که در مقابل پیام خدا مقاومت کند ، علنا زندگی خویش را نابود می کند. دل بستگی مفرط به مقدسین و موجودات فانی نزد خدا محکوم است. بدانید که زندگی این دنیا سرگرمی و بازیچه ای بیش نیست . زندگی این دنیا بیش از خیالی باطل و موقت نیست. فقط خدا را بخوانید. اگر نخوانید خودت ضرر میکنید.

[۵۷:۱۶] الم یان للذین ءامنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولا یكونوا کالذین اوتوا الکتب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم وکثیر منهم فسقون

[۵۷:۱۶] آیا هنگام آن نرسیده است تا کسانی که ایمان آوردند، قلبشان را برای پیام خدا و حقیقتی که در این نازل شده است، بگشایند؟ آنها نباید مانند پیروان کتاب آسمانی پیشین باشند که قلبشان به مرور زمان سخت شد و در نتیجه، بسیاری از آنها ستمکار شدند.

از ما گفتن بود
اگر خدا بخواهد ادامه دارد ...
سپاس برای خدای مهربان